

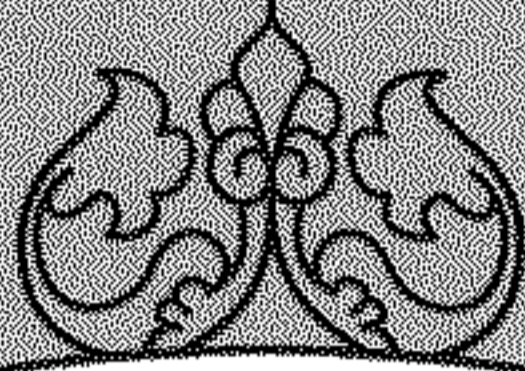


امام مهدی  
عجل الله تعالی فرجه الشریف  
در آینه تمثیلات و تشبیهات  
همراه با پیامک و اشعار مهدوی

غایب همیشه حاضر

# مقام تشبیهات

محمد یوسفیان



غایب  
همیشه  
حاضر

امام مهدی علیه السلام در آینه تمثیلات و تشبیهات  
همراه با پیامک و اشعار مهدوی

محمد یوسفیان

امید عاشقان، طاوس بهشتیان، آورنده عدل خدا،  
صفای ضمیر، بهترین سلطان عالم، موعود زمان، صاحب  
عصر، پرورده دامن نرگس، قائمه گیتی، خرد هستی،  
سلطان خوبان، ادامه خدایم، میوه باغ آفرینش، فراخی  
آسمانها، نجابت زمین،  
زنده کننده طبیعت،

## تقدیم

عصاره صبر، منتهای امیدها، خلاصه انبیا و اولیا، مظهر  
رحمت، موعود الهی، قلب امت، مظهر قدرت، مصداق  
لطف خدا، مستوره انبیا، محبوب حقیقی انسانها، مستوره  
اولیا و اصفیا، مظهر عدل الهی، ناظر بر اعمال، خورشید  
پشت ابر و غایب همیشه حاضر

یوسفان، محمد، ۱۳۴۸ -

غایب همیشه حاضر؛ امام مهدی در آینه تمثیلات، تشبیهات همراه با پیامک و اشعار مهدوی. -  
قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۱.  
۹۷ ص: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت؛ (۱۱۵)  
... ریال:

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۳۶-۹

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. محمد بن حسن، امام دوازدهم علیه السلام؛ ۲۵۵ ق. ۲. محمد بن حسن، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. امثال.  
۳. محمد بن حسن، امام دوازدهم علیه السلام؛ ۲۵۵ ق. - شعر. الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  
علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت. ب. عنوان. ج. عنوان: امام مهدی در آینه تمثیلات، تشبیهات  
همراه با پیامک و اشعار مهدوی.

ج. عنوان: نگاهی به فضایل حضرت زهرا علیها السلام.

۴۶۲/۲۹۷

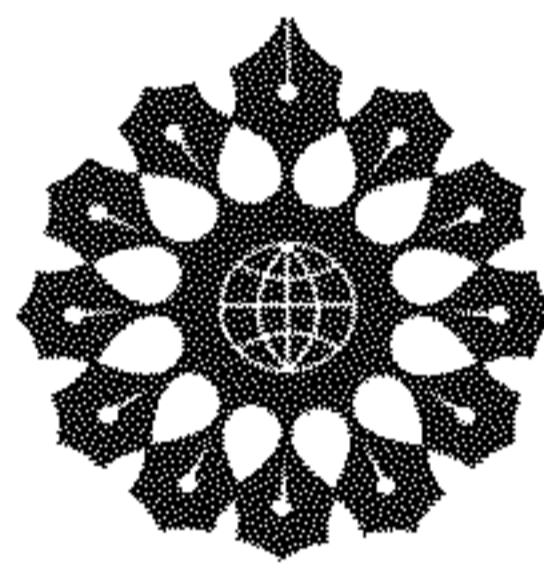
BP ۲۲۴/ی ۹

۲۴۲۱۳۷۶

۱۳۹۱



حوزه علمی قم  
مرکز تخصصی امامت و مهدویت



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  
انتشارات

## غایب همیشه حاضر

تدوین: محمد یوسفیان

ویرایش: ابوالقاسم آرزومندی

گرافیکر: ائلمان

نوبت چاپ: اول پاییز ۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰ هزار

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

مراکز پخش:

قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه

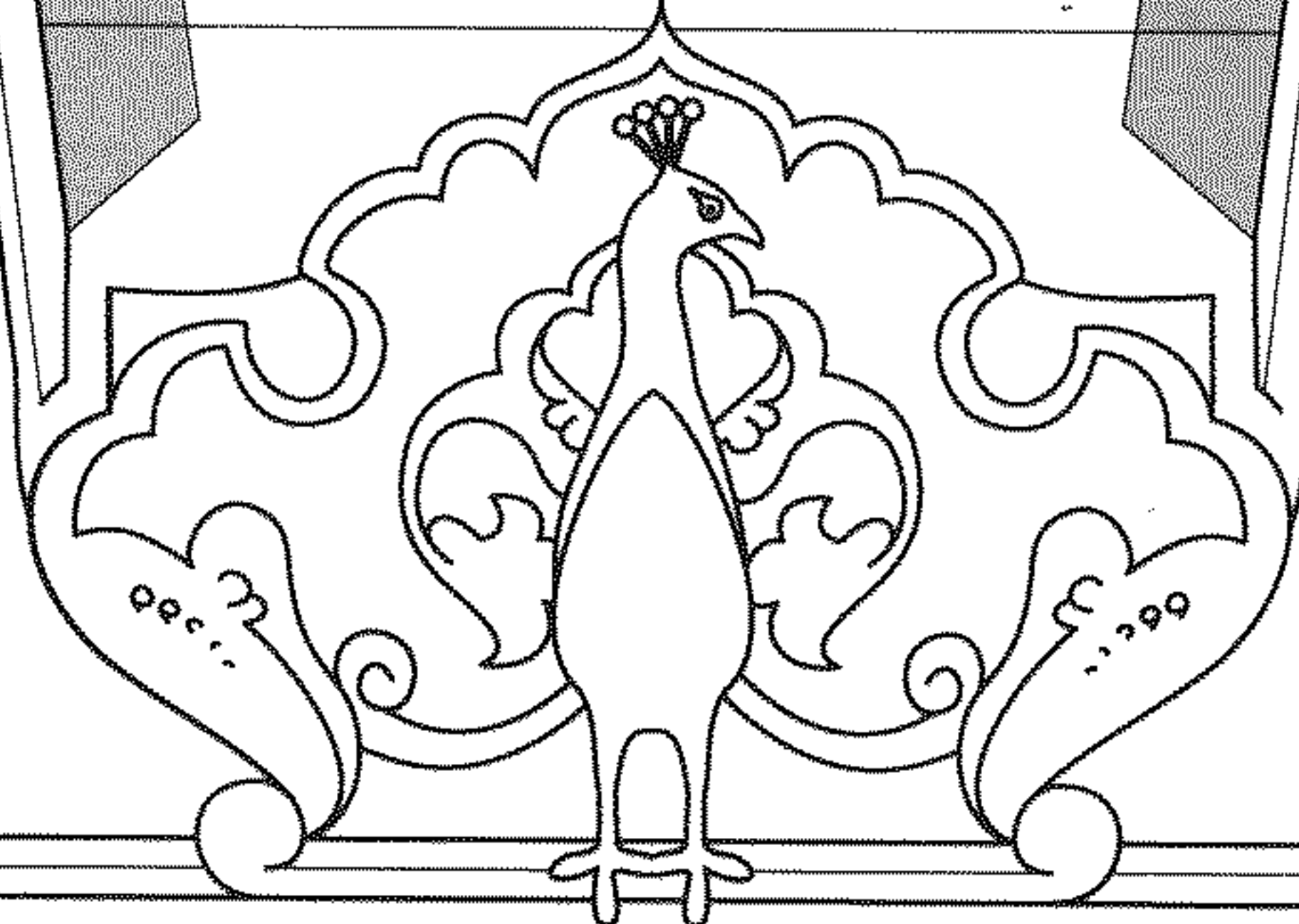
آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص. پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۰۱/۷۷۳۷۸۰۱

فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام / تلفن: ۸۱۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۱۹۸۱۳۸۹ / ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۳۶-۹

۶۱	پرچم	طلیعه سخن	۸
۶۳	دریا	قلب	۱۴
۶۴	آب جاری	فرودگاه	۱۸
۶۹	شبهات با حضرت آدم <small>علیه السلام</small>	هواپیما	۱۹
۷۰	شبهات با حضرت داود <small>علیه السلام</small>	وثیقه	۲۰
۷۲	شبهات با حضرت خضر <small>علیه السلام</small>	برادران یوسف	۲۳
۵۷	شبهات با حضرت نوح <small>علیه السلام</small>	عقل و عشق	۲۴
۷۶	شبهات با حضرت یعقوب <small>علیه السلام</small>	سپیده و آفتاب	۲۷
۷۸	شبهات با حضرت یوسف <small>علیه السلام</small>	نشانه عشق	۲۸
۸۰	شبهات با حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>	انتفاضه	۳۲
۸۴	یوسف <small>علیه السلام</small> و برادران	بیداری	۳۴
۸۸	خورشید پشت ابر	نور افشانی	۳۶
۹۱	شعر	آینه	۳۷
۹۳	تشبیهات در نام کتب مهدویت	طناب	۴۰
۹۴	سوالات غایب همیشه حاضر	نگاه پدر	۴۲
۹۶	منابع	اسب بی صاحب	۴۵
		کتاب و معلم	۴۷
		جاده اتوبان	۴۸
		انتظار خورشید	۵۲
		پدر منتظر	۵۴
		چراغ	۵۶
		مژه	۵۷
		فرمانده	۵۸
		امید	۶۰



زیبا خواهی، حقیقت جویی و نوآوری، از جمله گرایش‌های فطری آدمی است. رغبت و علاقه انسان به گفتار و نوشتار درست و شیوا نیز سرچشمه در همان میل نهفته دارد. هیچ دیده‌اید کالایی پر بها را بی‌پیرایه و در صورتی نا زیبا به بازار آورده‌اند؟ نوشتار و گفتار همان نمای کالا را می‌ماند که اگر زیبا و به هنر آراسته باشد، به چشم می‌آید و ذهن و دل خواننده را می‌رباید. این گوهر، هر چه ارزشمندتر، و آن خریدار هر چه ارجمندتر، آن صدف، به زیبایی و آراستگی، سزاوارتر. متأسفانه گاهی از آثار مکتوب ما بوی ملامت می‌ورزد و معارف و حقایق اسلامی گاهی در قالب‌های نا زیبا و نشرهای ملول و گفتاری عاری از هنر عرضه می‌شوند؛ در حالی که دیگران، مایه‌های فکر و فرهنگ خود را با لباس‌های فاخر و دل‌فریب می‌پوشانند و در دفترهای مذهب، پیش دیده‌ها می‌گذارند. اندیشه آدمی هر قدر که بلند باشد، اگر در قالب ساختاری مناسب به گفتار یا نوشتار تبدیل نشود، مخاطب را آگاهی لازم نمی‌بخشد. از این روست که قرآن کریم در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد و به این جهت است که حضرت امیر علیه السلام را امیر سخن می‌نامیم. یعنی شخصیتی که افکار بلند و نغز خود را می‌توانست در بهترین قالب گفتار منتقل می‌کند.

استفاده از "مثال" در گفتار و نوشتار تأثیری اعجاز گونه بر جان شنونده و خواننده دارد، او را مدهوش می‌کند و مروارید درخشان حقیقت را بر ساحل فهم ادراک او می‌نشانند. از سویی دیگر توجه به اصل رسایی در بیان مقصود، مهم‌ترین اصلی است که باید در این زمینه

مورد تاکید قرار گیرد. در قرآن کریم نیز فراوان از "مثال" استفاده شده است. به عنوان نمونه خدای متعال مَثَلِ كَسَانِي که غیر خدای متعال را سرپرست خود برگزیدند، را همانند مَثَلِ عَنكَبُوتِي می داند که برای خود خانه‌ای ساخته؛ که البته سست ترین خانه‌ها، خانه عنكبوت است.<sup>۱</sup> در جایی دیگر خدای متعال یهودیان مدینه را بسان دراز گوش می داند که کتاب‌هایی بر او حمل می کنند.<sup>۲</sup> زیرا که یهودیان مدینه خصوصیات و ویژگی‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ را در تورات می خوانده‌اند و پیوسته از ظهور آن حضرت خبر می دادند، ولی آنگاه که آن حضرت با آن ویژگی‌ها و نشانه‌ها ظاهر گردید به جای اینکه در ایمان به وی پیشقدم باشند؛ به انکار نبوت آن حضرت پرداختند.

امیر سخن، امام علی علیه السلام نیز فراوان از "مثال" در سخنانش استفاده می کرد. آن حضرت دعوت کننده بدون عمل را بسان تیر انداز بدون کمان می داند.<sup>۳</sup> و در جایی دیگر دنیا را چون مار سمی می داند که ظاهری زیبا دارد، انسان جاهل از آن گریزی ندارد ولی انسان عاقل از آن می هراسد.<sup>۴</sup> به هر روی استفاده از مثال، گفتار و نوشتار را درای چند ویژگی می سازد:

- ۱- گفتار و نوشتار را زیبا و دلنشین می سازد، نه تنها آن را ملال آور نمی کند که رهرو را بر سر نشاط می آورد و شیفته همراهی می سازد.
- ۲- نزدیک مسیر ممکن را برای رسیدن به هدف، به گوینده یا نویسنده می دهد و او را از دراز پیمایی و حاشیه روی می پرهیزاند.
- ۳- گفتار و نوشتار را دارای انعطاف و تنوع می سازد و از یکنواختی دور می سازد، گاه مخاطب را به سکوتی عمیق می کشاند؛ گاه تند، گاه آرام ره می پیماید؛ گاه خلاصه و عمیق می شود و گاه مفصل و عریض.

۴- گفتار یا نوشتار را دارای حرکتی نامحسوس می‌کند؛ دیگر حرکت خود را فریاد نمی‌زند، بلکه به آرامی ره می‌سپارد تا از مقصد سر برآورد.

شرح فواید و ضرورت‌های استفاده از مثال در سخن را نمی‌توان در این تنگنا به قلم آورد. راقم این سطور با اطلاع از کارکردهای استفاده از مثال در نوشتار یا گفتار و نیز اهمیت باز شناخت آموزه مهدویت که باز شناخت آن، شناخت بزرگ‌ترین جریان معرفتی، معنوی در طول تاریخ است، استفاده از مثال در آموزه مهدویت را یک ضرورت عینی می‌داند تا جریانی که برای ناب‌سازی معرفت دینی و باسازی و نو سازی فرهنگی، معنوی و اجتماعی اتفاق می‌افتد، هم‌راه ناب، زلال و اصیل بماند.

این نوشتار کوشش فروتنانه‌ای است در ارائه مثال‌هایی در آموزه مهدویت. در این نوشتار از سخنان بزرگوارانی چون حضرت امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری (حفظه الله)، آیت الله حائری شیرازی و حجج اسلام استاد محسن قرائتی، نقویان و رنجبر و... استفاده شده است. بعضی موارد نیز با وام‌گیری از قالب آنها، مثال‌ها ارائه و باز نویسی شده‌اند.

اکنون که این نوشتار به پیشگاه خوانندگان تقدیم می‌شود، امید آن دارم که طبع مشکل‌پسند ارباب فضل نتیجه کار را بپسندد و کاستی‌های احتمالی را بر ما ببخشند، همچنین مراتب اشتیاق و احتیاج خود را نسبت به دریافت نقطه نظرات و دیدگاه‌های خوانندگان محترم ابراز



می دارم و در پایان از آقایان: امیر محسن عرفان و سید محمد حسن مهدوی نیا که در تمام مراحل مشوق این حقیر بودند، تشکر می نمایم.

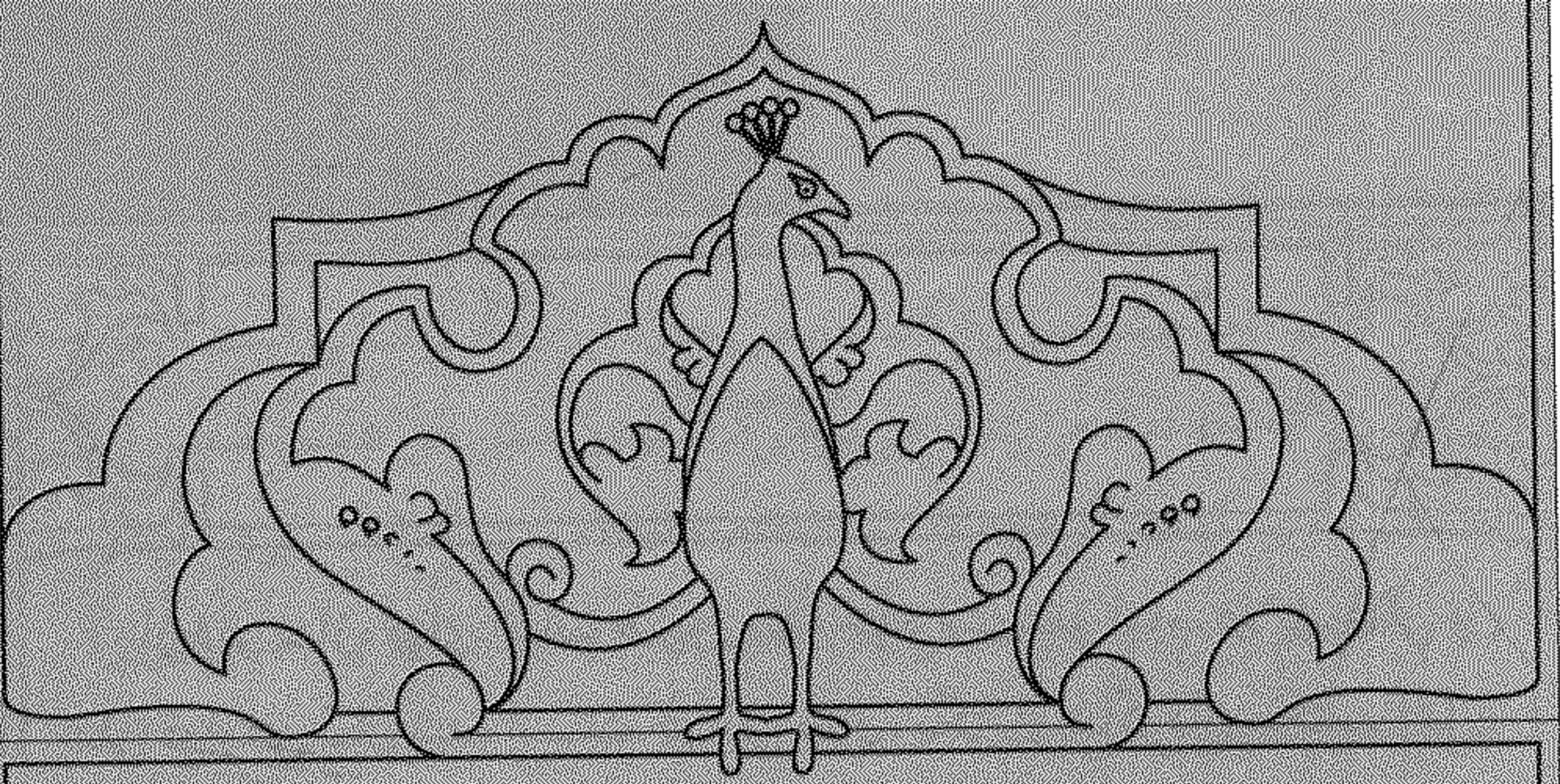
وَ تَقَبَّلْ مِنَّا وَ جَعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ

۱. سوره عنکبوت آیه ۴۱

۲. سوره جمعه آیه ۵

۳. الداعی بلا عمل کرامی بلا وتر (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷)

۴. مثل الدنيا کمثل الحیة لئن مسها وسم الناقع فی جوفها، یهوی الیها الغر الجاهل و یحذرها ذواللب العاقل.



بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا

جانم فدات که تو آن حقیقت بهمانی که  
دور از ما نیستی

تو همون جس غریبی که همیشه با منی

تو بهونه هر عاشق و اسه زنده بودنی

تو امید انتظاری تو ولای نا امید

مثل دیدن ستاره تو شبای نا پدید

عمریه و لم گرفته کله دارم از جدایی

غایب همیشه حاضر تو کجایی تو کجایی

## قلب

از دیر باز، برای اثبات ضرورت وجود مستمر امام، دلایل عقلی و نقلی فراوانی بیان شده است. در این میان، یکی از شاگردان مکتب اهل بیت علیهم السلام با تمثیلی زیبا و روان، ولی بسیار معقول و پرمغز، این مهم را به گونه‌ای اثبات کرده که برای تمامی افراد، اعم از عالم و عامی قابل فهم و هضم است.

مرحوم کلینی در کتاب کافی، به اسنادش از یونس بن یعقوب نقل می‌کند که به او گفت: جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام از جمله حمران بن اعین، محمد بن نعمان، هشام بن سالم و طیار در محضر حضرتش گرد آمده بودند. هشام بن حکم - که هنوز جوانی نارس بود - نیز در میانشان حضور داشت. حضرت، خطاب به هشام فرمود: «ای هشام! خبر نمی‌دهی که با عمرو بن عبید چه کردی و چه از او پرسیدی؟» هشام عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! شما را بسیار بزرگ می‌دانم و از سخن گفتن در محضر شما شرم دارم، به طوری که زبانم در برابرت گنگ می‌نماید.»

امام علیه السلام فرمود: "چون شما را دستوری دادم، انجام دهید." هشام لب به سخن گشود و گفت: "از مجلس بحث عمرو بن عبید در مسجد بصره، با خبر شدم. آهنگ بصره کردم و روز جمعه به آنجا رسیدم. حلقه درس بزرگی در مسجد برقرار بود و مردم از عمرو پرسش‌هایی می‌کردند. در میان جمعیت، راهی باز کرده، جلو رفتم و نشستم. سپس خطاب به

عمر و گفتم: آیا چشم داری؟ گفت: پسر جان! این چه پرسشی است؟ چرا از چیزی که خودت می بینی، می پرسی؟ گفتم: پرسش من همین است، آیا چشم داری. گفت: گر چه پرشست احمقانه است، اما... آری! چشم دارم. گفتم به چه کارت می آید؟ گفت: با آن، رنگ ها و اشخاص را می بینم و تشخیص می دهم.

گفتم: بینی هم داری؟ گفت: آری! گفتم: به چه کارت می آید؟ گفت: با آن بوها را استشمام می کنم. گفتم: آیا دهان نیز داری؟ گفت: آری! گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: غذا می خورم و مزه آن را می چشم گفتم: گوش داری! گفت: آری! گفتم: با آن چه می کنی گفت: صداها را می شنوم. گفتم: آیا قلب داری؟ گفت: آری! گفتم با آن چه می کنی؟ گفت: به وسیله آن، هر آنچه اعضا و حواسم درک می کنند، امتیاز و تشخیص می دهم.

گفتم: مگر این اعضای حسی و ادراکی، تو را از قلب بی نیاز نمی کنند؟ گفت: نه! گفتم چطور بی نیاز نمی کنند و حال آن که همه، صحیح و سالم اند؟ گفت: پسر جان! وقتی آنها در چیزی که حس می کنند، تردید داشته باشند، در تشخیص آن به قلب مراجعه می کنند تا، یقین حاصل و شک، باطل گردد.

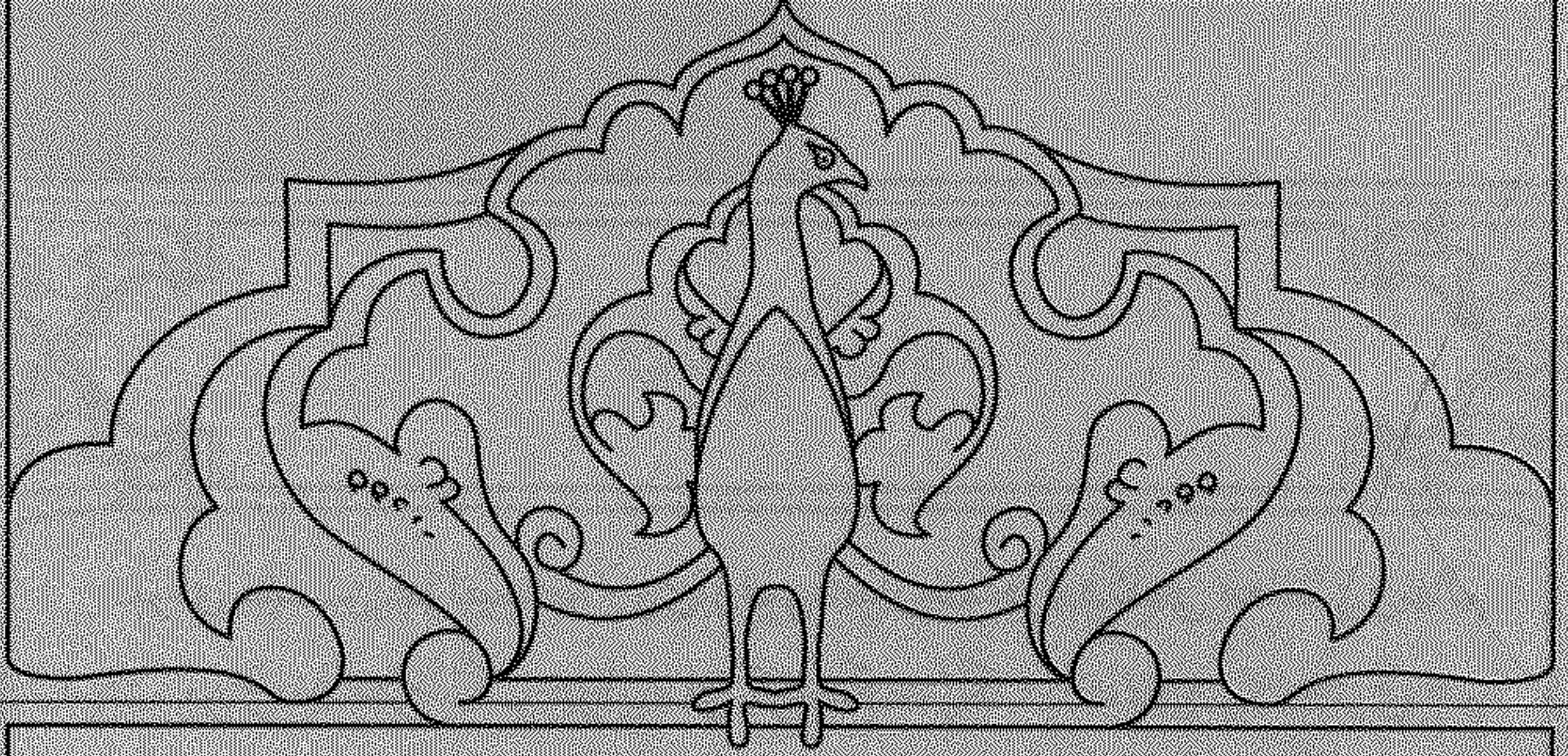
گفتم: آیا خداوند، قلب را برای رفع شک و حواس، قرار داده است؟ گفت: آری! گفتم: پس قلب باید موجود باشد، و گر نه برای حواس، یقینی حاصل نمی شود؟ گفت: آری! گفتم: ای ابا مروان! خداوند تبارک و تعالی، حواس تو را بی امام، رها نکرده و برای ایشان، امامی قرار داده است، تا صحیح را آشکار و شکشان را به یقین تبدیل کند. حال، این خلائق را در شک و حیرت و اختلاف رها نموده و امامی برایشان منصوب نکرده تا آنان را از شک و تردید، خارج سازد؟ عمر و مدتی

خاموش ماند. سپس روی به من کرد و گفت: "اهل کجا هستی؟" پاسخ  
دادم: "کوفه" گفت: "پس تو هشام بن حکمی!"

سپس مرا در آغوش گرفت و در جای خود نشانید و خود کنار رفت  
و دیگر چیزی نگفت تا من بر خاستم. در این هنگام امام صادق علیه السلام  
خندید و فرمود: «ای هشام! چه کسی این مطلب را به تو آموخته؟»  
هشام پاسخ داد: "چیزی است که از شما یاد گرفته ام." «حضرت فرمود:  
"به خدا قسم، این مطلب در صحف ابراهیم و موسی، مکتوب است."

ای اجابت کننده هر دعا،  
پنجره قلب منتظران، رو به  
آسمان بیکرانت گشوده  
است تا با یک اشارت تو  
غبار اندوه غیبت از دلها  
برخیزد  
و چشمها به تماشای  
باران ظهور بنشینند  
و اکنون ای پیام همه  
رنگهای روشن!  
ای گل زیبای باغ عدالت! ما  
با تمام وجودمان در انتظار  
دیدنت هستیم.

۱. در آیات و روایات، مراد از قلب، قوه عاقله است



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ.

درود بر تو ای دیده خدا بر خلقش.

به تماشای طلوع تو جهان چشم به راه

به امید قدمت کون و مکان چشم به راه

نازینا نفسی، اسب تجلی زمین کن

که زمین کوش به زنگ است و زمان چشم به راه

## فرودگاه

برای نشستن هواپیما بر روی زمین، نیازمند فرودگاهی مطمئن و سالم است. برای نشستن یک هواپیمای کوچک، یک باند دویست متری هم کافی است اما یک هواپیمای بزرگ، یک باند فرود چند کیلومتری نیاز دارد تا بتواند به سلامت بر زمین بنشیند. زیر سازی چنین فرودگاهی نیز باید محکم باشد تا بتواند صدها تن فشار را تحمل کند.

امام زمان علیه السلام که بیش از هزار سال در پشت پرده غیبت بوده، باید فرودگاه محکم داشته باشد تا بتواند فرود بیاید. فرودگاه مطمئن او، همان زمینه‌های ظهور، تحقق جامعه منتظر، مقبولیت و وجود یاران صالح است که باید از هر جهت فراهم باشد.

صدای پای ظهور از جاده  
همت ما بلند می‌شود.

## هواپیما

فلزی که در هواپیما به کار رفته، با فلزی که در ماشین‌سازی به کار می‌رود، بسیار متفاوت است. هواپیما باید از فلزی ساخته شود که بسیار مقاوم باشد. اگر همان فلزی که در ماشین استفاده می‌کنند در هواپیما نیز به کار ببرند، بسیار خطرناک است.

بسیار اتفاق می‌افتد که ماشین در حال حرکت به خاطر عیب‌ها و نقص‌های مختلف در وسط راه خراب می‌شود، در چنین زمانی، مسافران به راحتی پیاده می‌شوند و ماشین را به کنار جاده می‌برند و عیب آن را برطرف می‌کنند.

اما هواپیما به خاطر این‌که در معرض سقوط قرار نگیرد، از فلزات و قطعاتی مطمئن ساخته می‌شود.

اصحاب و یاران خاص امام حسین علیه السلام در روز عاشورا و یاران خاص امام مهدی علیه السلام در هنگام ظهور نیز همانند موادی هستند که می‌خواهند در هواپیمای بسیار بزرگ به کار ببرند، باید چنان مستحکم و استوار باشند که آسیبی نبینند، چون سقوط آنها، سقوط همه چیز است.

با خبر باشید ای چشم  
انتظاران ظهور / بهترین  
سلطان عالم از همه تنها  
تر است.



## وثیقه

یکی از نکات مهم در داستان حضرت یوسف علیه السلام، آن است که وقتی زمان قحطی رسید، برادران آن حضرت بدون بنیامین و برای گرفتن گندم به نزد او آمدند. حضرت یوسف علیه السلام وعده داد اگر در مرتبه بعد او را نیز بیاورند، سهمی به او اختصاص خواهد داد. آنها با خوشحالی نزد پدر آمدند و از او خواستند که بنیامین را با آنها بفرستد، اما چون در گذشته دچار خطایی درباره حضرت یوسف علیه السلام شده بودند، حضرت یعقوب علیه السلام این خواسته را قبول نفرمود و کوتاهی گذشته را یادآور شد و فرمود: «هل آمنکم علیہ الا کما امتکم علی اخیه» «آیا در مورد او اطمینان کنم، همان گونه که در مورد برادرش (یوسف) اطمینان کردم (و دیدید که چه شد؟)»

واریث

۲۰

پس از اصرار فراوان برادران، حضرت یعقوب علیه السلام شرطی را گذاشت که به نظر می آید همین شرط در ظهور امام زمان علیه السلام نیز وجود دارد. ایشان خطاب به پسرانش فرمود: (لن ارسله معکم حتی تؤتوا موثقا من الله لتاتنی به الا ان يحاط بکم فلما اتوه موثقهم قال الله علی ما نقول وکیل)؛ من هرگز او را با شماها نخواهم فرستاد، مگر اینکه (بر اثر مرگ یا علت دیگر) قدرت از شما سلب گردد و هنگامی که آنها پیمان استوار خود را در اختیار او گذارند، گفت: «خداوند، نسبت به آنچه می گوییم، ناظر و نگهبان است!».

در مورد امام زمان علیه السلام نیز همانطور است، ما مکرر می گوییم:

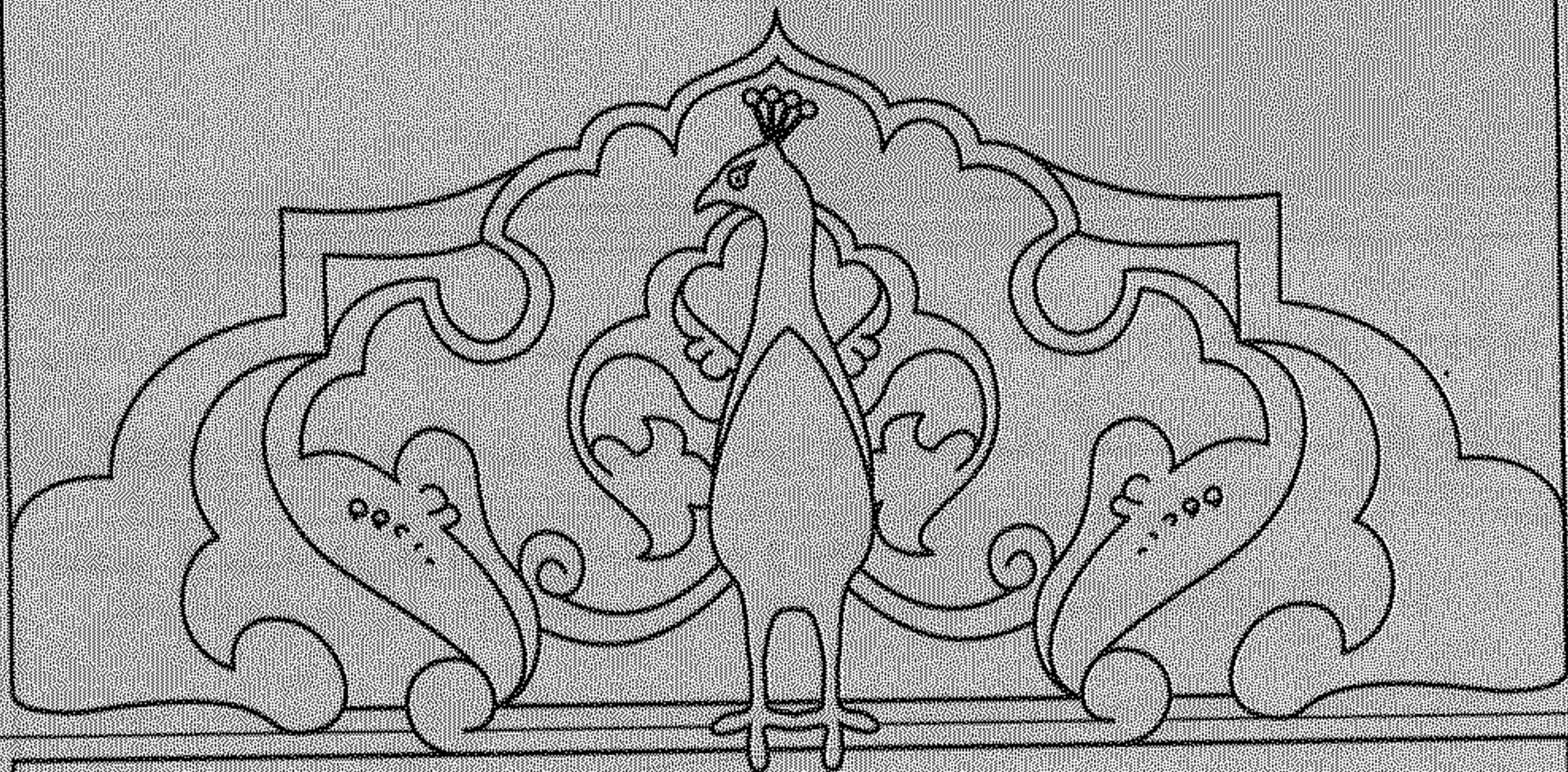
«خدایا، امام زمان علیه السلام را بفرست تا از او اطاعت کنیم و در خدمتش باشیم»،  
اما خدای متعال می‌گوید: شما در مورد یازده امام گذشته بد عمل کردید و  
مقصر هستید. در مورد این امام باید وثیقه بگذارید.<sup>۱</sup>

قطعه گمشده‌ای از پر پرواز  
کم است

یازده بار شمردیم و یکی  
باز کم است  
این همه آب که جاریست  
نه اقیانوس است

عرق شرم زمین است که  
سرباز کم است

۱. برای توضیح بیشتر در مورد وثیقه، به سر عنوان  
«غروب خورشید» مراجعه فرمایید.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ الْمَبُورِيَّةِ

درود بر قوای معدن دانش‌های نبوت

منم عاشق منم دیوانه تو

تویی شمع و منم پروانه تو

تویی یوسف منم یعقوب راست

کجایی تا بگیرم من سراغت

## برادران یوسف

ظلم و جفای برادران یوسف به ایشان و برادرش را می توان جفای امت به امام عصر ع و اهل بیت پیامبر ص تشبیه کرد؛ زیرا بعضی می گویند اهل بیت پیامبر ص مگر چه ویژگی های دارند که نزد خدای متعال و رسول گرامی اش از دیگران محبوب ترند؟

اما باید دانست که تمام افعال خداوند، حکیمانه است و دلیل محبت ویژه خدا به این خاندان، به دلیل آگاهی به صفات ممتاز آنهاست. درست مثل حضرت یعقوب ع که در یوسف ع چیزی را می دید که در پسران دیگرش نبود و به همین دلیل او را بیشتر دوست می داشت، ولی برادران حضرت یوسف ع این را درک نمی کردند و جاهلانه می گفتند: (لِیُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيَّ ابْنَيْنِي وَنَحْنُ عَصَبَةٌ)؛ «یوسف و برادرش نزد پدر، از ما محبوب ترند؛ در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم! مسلماً پدر ما در گمراهی آشکار است!» شگفت آنکه برادران یوسف به قدری در جهالت خود افراط کردند که حتی پیامبر زمان خود را گمراه دانستند و اظهار داشتند: (إِنَّ ابْنَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)؛ «پدر ما، در گمراهی آشکار است!» نادانی آنان به همین جا ختم نشد و آنان به جای اصلاح اخلاق و رفتار خود، برای اینکه در نزد پدر آبرویی بیابند کمر به قتل حضرت یوسف ع بستند و گفتند: (اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ)؛ «یوسف را بکشید یا او را به سرزمین دور دستی بیفکنید تا توجه پدر فقط به شما باشد.»

۱. سوره یوسف آیه ۸

۲. سوره یوسف آیه ۸

۳. سوره یوسف آیه ۹

## عقل و عشق

بعضی مسائل در مهدویت اساس و ریشه است و ریشه هم در خاک پنهان است و قابل رؤیت نیست. ما از سر سبزی و شادابی دائمی درخت، سالم بودن ریشه را می‌فهمیم؛ بنابراین باید به تقویت ریشه‌ها و محکم کردن پایه و اساس و اصل اعتقادات درباره امام زمان ع توجه کافی و لازم داشت.

در زلزله چند سال پیش بم، به نخل‌ها هیچ آسیبی نرسید؛ چون ریشه آنها محکم و استوار بود، ولی تیر آهن‌های ضخیم ساختمان‌ها خم شد و سازه‌های بتنی فرو ریخت.

پس یکی از وظایف ما، توجه به ریشه‌هاست، اما باید توجه داشت که فعالیت‌ها نباید تنها در ریشه‌ها متوقف شود. کار دیگر مربوط به عشق و شور و نشاط است. برای نهادینه شدن دین خدا و به تبعش پیامبران علیهم‌السلام و ائمه علیهم‌السلام دو کار انجام دادند: اول آنکه ریشه‌ها را با استدلال‌های عقلی محکم کردند و دیگر آنکه به شاخ و برگ رسیدند و عشق را در دل انسانها شلعه ور کردند.

در بحث عقل و عشقی که همواره مطرح بوده است، تمام حرف این است که نه عقل را کنار بگذارید و نه عشق را. مولوی در تشبیه زیبایی می‌گوید: عقل مثل نور و روشنایی است. عقل باید جلوی مسیر شما را روشن کند تا در مسیر خود درست حرکت کنید و عشق همان گرما، حرارت، شور و نشاط است که باعث حرکت انسان می‌شود.

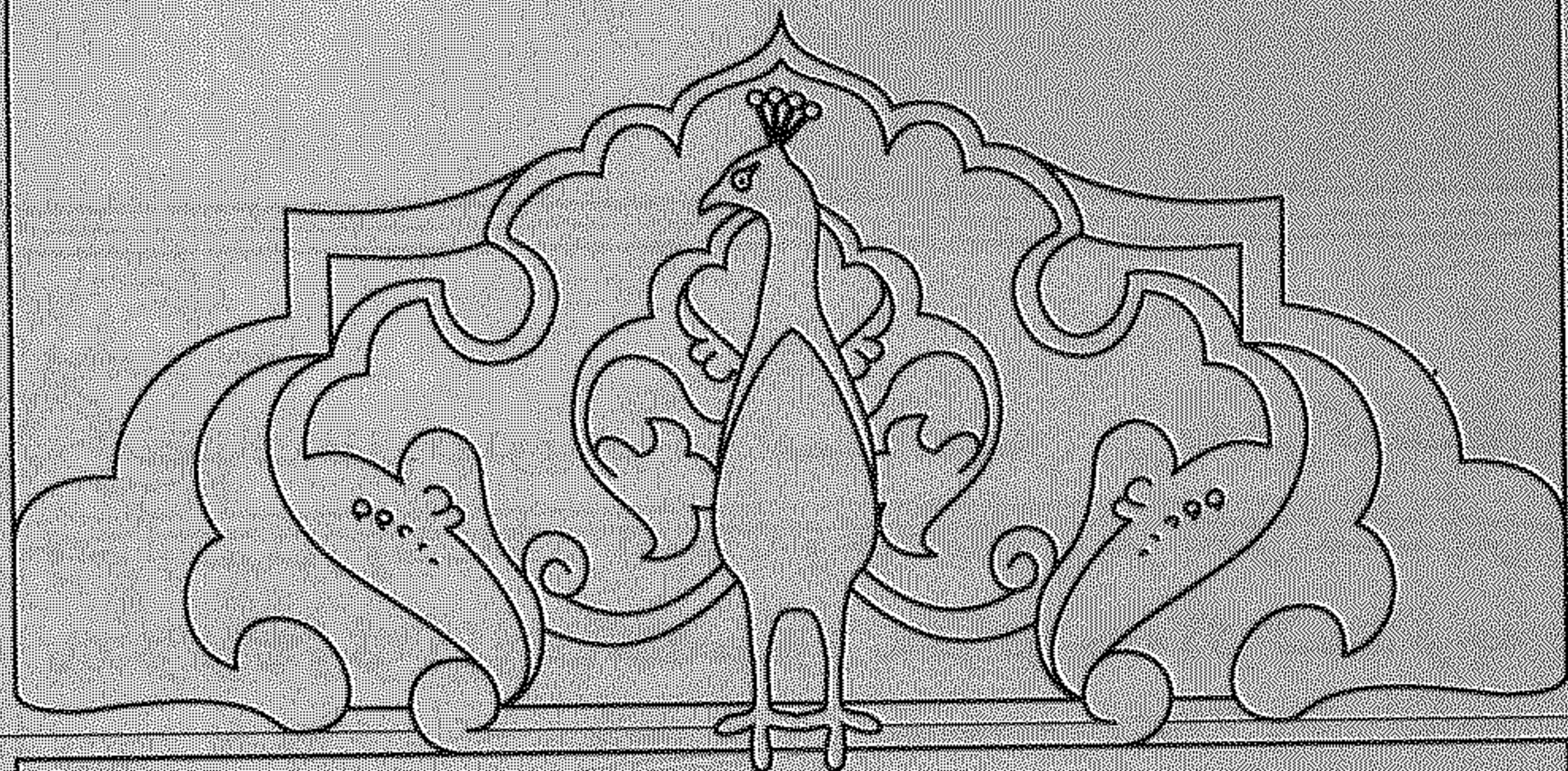
در جاده‌های پر پیچ و خم و شب‌های تاریک و مسیرهای طولانی، راننده باید هر چند دقیقه نور بالای اتومبیل را بزند تا بتواند انتهای

مسیر را ببیند.

اعتقادات عقلی مهدوی، در عین اهمیت داشتن، ولی مادامی که عشق و حرارت، شور و نشاط در آدم‌ها به وجود نیاورد، ثمر بخش نیست. پس باید در ارائه و فراگیری مباحث مهدوی به هر دو جنبه ذکر شده، توجه کنیم.

به تو می‌اندیشم، ای  
زیباترین واژه هستی، ای  
ستاره درخشان آسمان  
عشق و محبت، ای تکسوار  
دشت‌های مهربانی و ای  
چشمه جوشان بخشش و  
بزرگواری.

به تو می‌اندیشم، ای  
سبزترین شاخه درخت  
آزادگی، ای زلال‌ترین  
چشمه آب حیات و ای سرخ  
ترین لاله دشت اعجاز.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ  
الْمُهْتَدُونَ، وَيُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ.

درود بر تو ای نور خدا که ره یابند بدان  
رهجویان و بدان بر مؤمنان کشایش شود.

بی تو خورشید در افق‌های غم فرو می‌رود، بی تو یاس‌ها، شکفتن  
نمی‌دانند، بی تو تابوت آرزوها بر شانه لحظه‌ها سنگینی می‌کند، بی تو  
گل‌های زندگی عطر پریشانی و زمزمه زندانی می‌دهند. اگر تو بیایی از  
گرمای نگاهت نرگس‌های دشت می‌رویند.

## سپیده و آفتاب

دهه فجر انقلاب، عنوان زیبا و رسایی است؛ چون فجر آن است که شب خاتمه یابد و روز آغاز گردد. پس از اینکه فجر همه جا را فرا گرفت، خورشید طلوع می‌کند. به عبارت دیگر، ابتدا فجری ظاهر می‌شود و پس از گذشت لحظاتی خورشید به ظهور میرسد. امام علیه السلام می‌فرمود: «ما منتظر طلوع خورشیدیم» پس امام علیه السلام سپیده آن خورشید و مطلع فجر آن ظهور است. اگر توجه کرده باشید، فجر در ابتدا یک نقطه سپید در افق است که آرام آرام از شرق به غرب گسترش می‌یابد و در آن هنگام، هنگامه طلوع است.

این انقلاب، فجر ظهور است و فجر از خورشید است و از خورشید جدا نیست. فجر همان نور خورشید است که نام آن را سپیده نهاده‌اند. در ابتدا خورشید را نمی‌بینیم، سپیده را می‌بینیم. پیدایش سپیده، نوید بخش طلوع خورشید است؛ همچنان که پدیده انقلاب اسلامی ایران، پیام آور ظهور امام زمان علیه السلام است. وقت نماز صبح الان است؛ چرا که بین الطلوعین است. آنها که می‌گویند اگر آقا بیاید؛ آن‌گاه جان را نثار می‌کنیم و مال و اندوخته‌ها را انفاق می‌کنیم، نمازشان قضا خواهد شد.

اگر با آمدن آفتاب از خواب بیدار شویم، نمازمان قضاست...



## نشانه عشق

وقتی که به کودکی می‌گویی: دوستت دارم، می‌گویی: اگر راست می‌گویی بستنی برایم بخر! این سخن نشان می‌دهد که بچه‌ها هم به خوبی می‌دانند که دوستی و عشق، علامت و نشانه دارد و نشانه آن عمل و اقدام است. ماهم اگر امام زمان علیه السلام را دوست داریم، باید دست به کار شویم و به دستوره‌های خداوند که اهل بیت علیهم السلام برای ما آورده‌اند، عمل کنیم و به خواسته‌های آنها تن در دهیم. وجود نازنین آن حضرت هم فرموده است: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِءٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا؛ پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را

به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از آنچه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ماست، دوری گزیند»

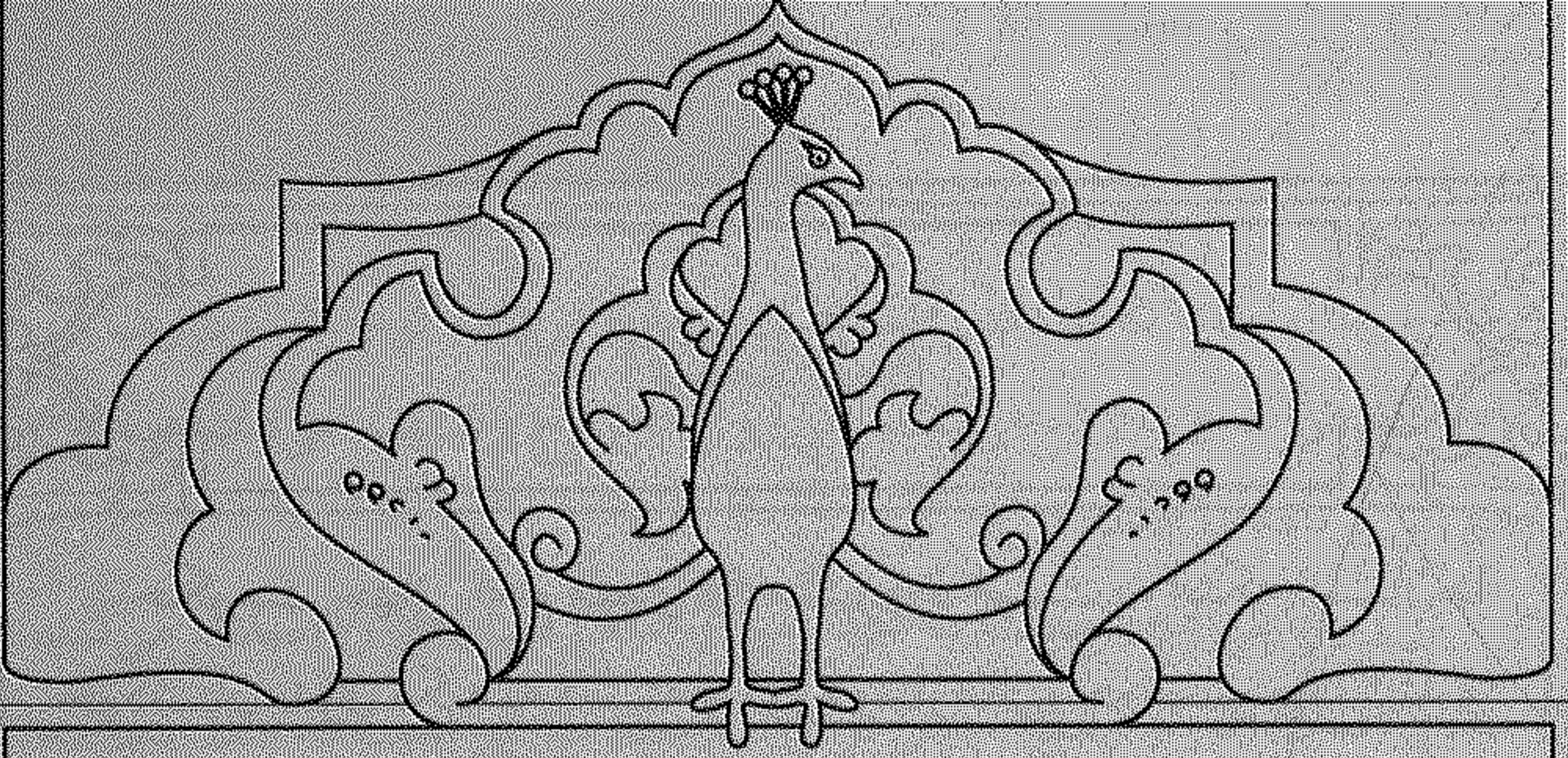
اگر منتظر او هستی، باید اقدامی عملی انجام دهی؛ چون که انتظار فرج خود عمل است، بلکه افضل اعمال است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ هر کسی دوست دارد

انتظار، یعنی دو رکعت نماز معرفت در جمکران وصل، یک کاسه شربت محبت در کام جان و یک دور صلوات برای تعجیل در آمدن بهار.

از اصحاب قائم باشد، منتظر بماند و تقوا پیشه کند و به محاسن اخلاق  
پای بند باشد و در همان حال انتظار بکشد.»





السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ  
الزَّاهِرِ، وَالشُّورِ الْبَاهِرِ

درود بر تیغ کشیده و ماه تابنده و  
نور خیره کننده

چرخ‌دنده‌های زنگ زده عدالت، در دولت منجی روغن زده خواهد  
شد و کوبین امنیت در دولت منجی اعلام خواهد شد.

## انتفاضه

حکومت جهانی امام مهدی عج مشروط است به اینکه انسان‌ها خودشان بدون تکیه به دسته و گروه و سازمانی، جوشش پیدا کنند و خود انسان‌های محروم وارد معرکه بشوند. اگر این کار شد، دیگر مستکبران نمی‌توانند محرومان را عقب نگه دارند. آن گاه ورق بر می‌گردد. قیام مردم محروم جهان باید همگانی و همه جایی باشد. اگر یک عده حرکت و قیام کنند و دیگران همراهی نکنند، چنین قیامی زمینه ساز ظهور نیست. عده‌ای را زندانی کنند یا بکشند بقیه هم از بین می‌روند. این گونه قیام‌ها که همگانی نیستند زمینه ساز ظهور نیستند.

حرکت‌ها باید خود جوش باشد؛ مثل آب چاه که وقتی یک سطل آب از آن بر می‌داری، دوباره جایش آب می‌آید. عرب به این گونه جوشیدن آب، انتفاضه می‌گوید؛ یعنی خود جوش.

الآن به قیام مردم فلسطین شورش و مبارزه نمی‌گویند، بلکه نهضت و انتفاضه می‌گویند؛ یعنی سطح آب بالا آمده و جوشیده است. دانش آموز فلسطینی را کسی سازماندهی نکرده است. خود کودک فلسطینی با فکر خود به این نتیجه رسیده که زندگی تحت حکومت اسرائیل، از مرگ بدتر است و مرگ در راه مبارزه با اسرائیل، پیروزی و حیات است. او وقتی از کلاس و خانه‌اش بیرون می‌آید، برای نشان دادن مخالفت خود با اسرائیل، به سوی سربازان صهیونیست سنگ می‌زند. این گونه اقدامات، کار یک گروه و سازمان نیست تا اسرائیل رئیس آن گروه را دستگیر کند و به قتل برساند. اگر یک سازمان یا حزب مردم را حرکت دهد، با متلاشی شدن آن سازمان، این حرکت متوقف می‌شود، ولی الآن

چندین سال است که کودکان فلسطینی؛ زنان، مردان، کوچک و بزرگ هر روز تظاهرات و مبارزه می‌کنند، هر روز مجروح و شهید می‌دهند و هنوز هم این برنامه‌ها ادامه دارد.

در روایات آمده است که خدا امر او امام زمان علیه السلام را اصلاح می‌کند. معنای اصلاح کار و زمینه چینی برای آن حضرت این است که مثلاً انتفاضه و جوشش به کشور ما محدود نباشد تا اگر امریکا کشور ما را در محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار داد، بقیه هیچ اقدامی نکنند، بلکه باید شرایط به گونه‌ای شود که درون خود آنها هم جوشش پیدا شود و نهضت و انتفاضه از متن مردم آنها بجوشد.

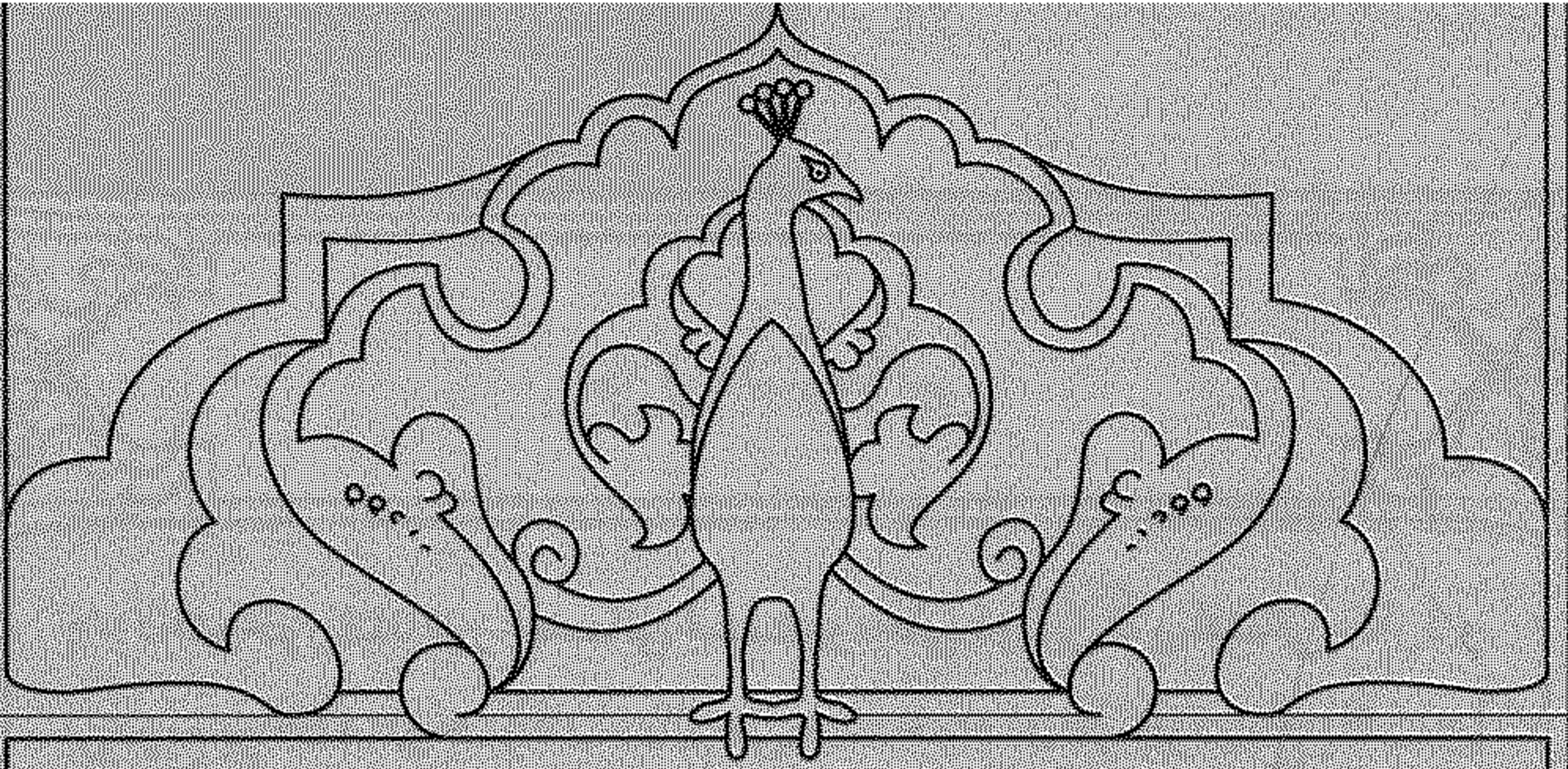
عاقبت يك روز مغرب محو  
مشرق مي‌شود  
عاقبت غربي‌ترين دل نیز  
عاشق مي‌شود

## بیداری

هنگام تلاش و تحرک همین حالا است. قرآن به صراحت می گوید:  
کسانی که پیش از پیروزی انفاق و جهاد می کنند، با کسانی که پس از  
پیروزی انفاق و جهاد می کنند، برابر نخواهند بود. فضیلت گروه اوّل،  
بیشتر از گروه دوّم است: (اولئك اعظم درجۀ من الذين انفقوا من بعد و  
قاتلوا...) (...

امروز که پیش از ظهور است، روزگار حرکت، کار و روز اقدام  
و قیام است. هنگام حرکت، تلاش و بیداری است، بیداری امروز هنر  
است و ارزش دارد، وگرنه در فردای روزگار ایام میمون ظهور است،  
همه اهل حرکت و همه پر تلاش  
و پر تحرک و بیدارند.

بیداری پیش از آفتاب  
ارزشمند است، و الا با  
آمدن آفتاب همگان بیدارند.



السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَيُنذِرُ النَّعَامِ

درود بر آفتاب تاریکی و ماه شب  
چهارده (کامل)

آفتابا تو چرا کرد شمع می کردی  
عالم از توست غریبانہ چرامی کردی

## نور افشانی

ذات خورشید نور افشانی است و بخلی در این نور افشانی ندارد و بی دریغ بر همه موجودات عالم می‌تابد، خواه آن موجود، باغ باشد یا صحرا، کوه باشد یا دشت، موجود زنده باشد یا مرده، اما اگر خورشید بر باغ و گل بتابد، بوی خوش و طراوت آن بیشتر می‌شود و اگر بر مردار یا زباله بتابد، بوی تعفن و گند آن بیشتر می‌شود پس در بوی خوش یا بوی تعفن، خورشید مقصر نیست.

امام زمان علیه السلام خورشید عالم‌تاب و تابنده بر تمام موجودات گستره خاک است. این ما هستیم که اگر وجودمان را همچون باغ و گلستان کرده

باشیم، هر چه بیشتر در معرض نور آن حضرت قرار گیریم، بر طراوت ایمان و خوشبختی ما افزوده خواهد شد و اگر با گناه و معصیت قلب خود را تباه و آن را همانند مزبله‌ای کرده باشیم، به سرعت باید در تطهیر آن بکوشیم که اگر این گونه نباشد و تباهی و گناه زیاد باشد، وجود ما از تابش خورشید ناراحت می‌شود و در مقابل ظهور آن مقاومت و مبارزه می‌کند و مانع ظهور او می‌شود؛ چرا که با ظهورش بوی تعفن مفسدان و ظالمان آشکار گردد.

ای خورشید آفرینش!  
سال هاست که سرود  
آمدنت را در ترنم باران  
و فریاد آبشاران و نوای  
چشمه ساران می‌شنویم  
و به امید دیدنت یأس را بر  
کوه‌ها سر می‌بریم.



## آینه

امام خمینی علیه السلام همچون ماه بود در شب غیبت، دوره غیبت امام زمان علیه السلام، مثل شب است وقت ظهور امام زمان علیه السلام، مثل روز است. وقتی زمین پشت به خورشید می‌کند، شب می‌شود و موقعی که رو به خورشید می‌کند، روز می‌شود. مردم وقتی پشت به امام زمانشان می‌کنند، غیبت می‌شود. وقتی رو به امام زمانشان می‌کنند ظهور می‌شود. در شب که مردم پشت به خورشیدند، اگر بخواهد هوا روشن بشود، چه راهی جز مهتاب است؟ نور خورشید به ماه می‌تابد و ماه از آن نور استفاده می‌کند؛ مثل آینه‌ای که دست شما باشد و در برابر خورشید بگیرید و نورش را بتاباند.

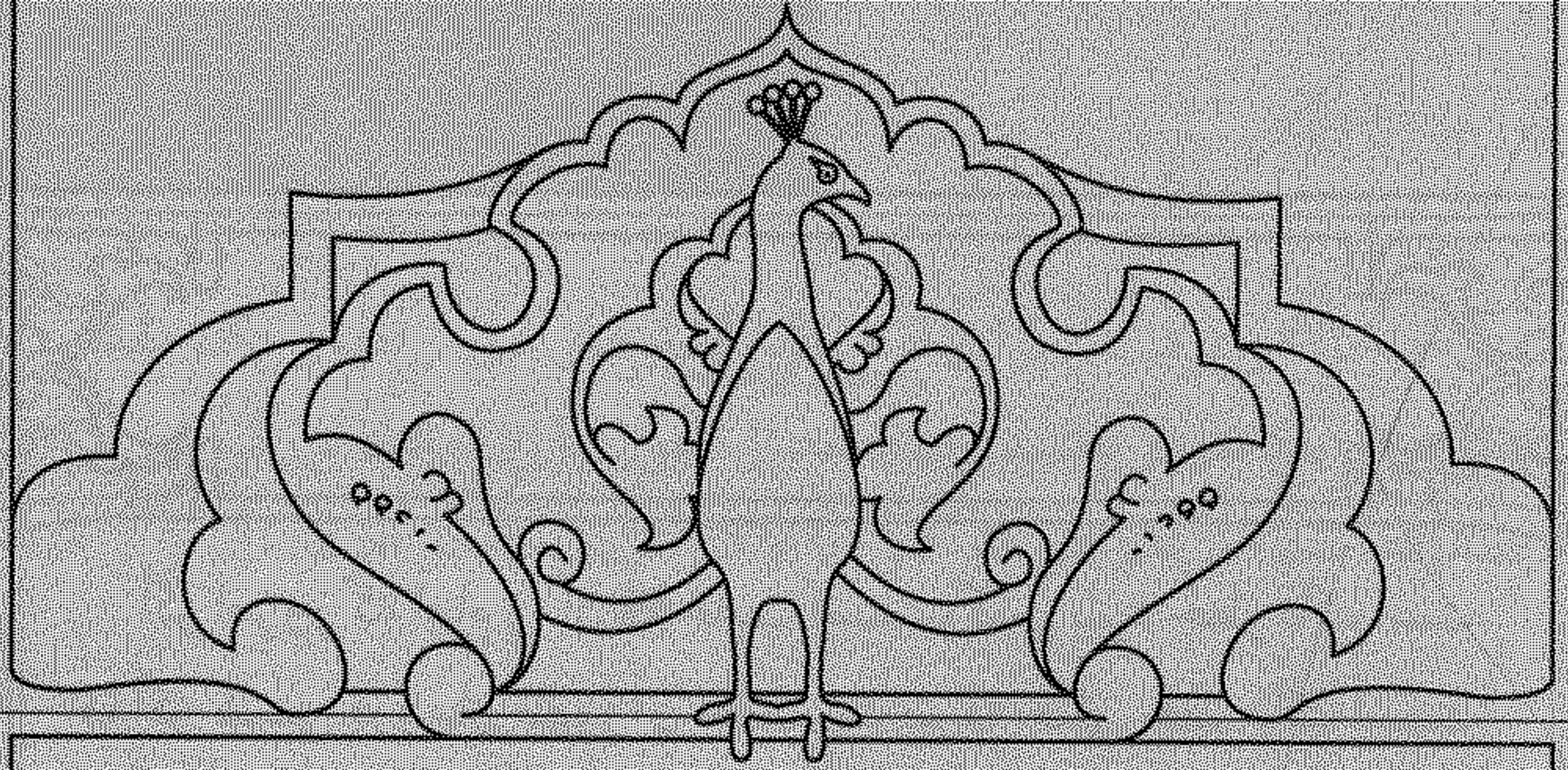
ماه مثل یک آینه در مقابل خورشید است که از آن نور می‌گیرد و نورش را به ماه می‌پاشد. پس نور مهتاب از آفتاب است. آفتاب به ماه می‌تابد، باز تاب نور آفتاب، مهتاب می‌شود، وگرنه ماه خودش نور ندارد. اگر ماه نور داشت، همیشه مثل خورشید نورانی دیده می‌شد. این که ماه گاهی نور دارد و گاهی نور ندارد، علتش این است که نورش از خودش نیست. نور امام زمان علیه السلام مانند نور خورشید است که به شما می‌تابد. امام خمینی علیه السلام هم مثل مهتابی بود در شب غیبت که به ما می‌تابید، اما نورش از خورشید وجود امام زمان علیه السلام بود. امام زمان علیه السلام به قلب امام امت می‌تابید و از امام هم به جوان می‌تابید. علت آنکه شما به امام محبت دارید، آن است که امام زمان علیه السلام به امام امت محبت داشت. محبتی که به امام زمان علیه السلام دارید، به دلیل محبتی است که خدا به آن حضرت دارد. بنابراین نوری که در دل جوان است، باز نور خداست، اما

از طریق امام زمان علیه السلام آمده و در دل جوان تابیده است.

ای مهتاب آسمان خلقت!  
تا سپیده دم فرج چند نافله  
باقی است؟ تا کی در  
آدینه‌های عمر با دستان  
بلند ندبه تو را التماس  
کنیم؟

ای سکوت و وقار زیبایی  
شب‌ها، ای درخشش ماه  
و ستاره‌ها که خود وعده  
داده‌ای می‌آیی، بیا و  
عهده‌ی را که با ما بسته‌ای  
بجا آور.





السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتِي  
الْأَمْنَةَ

درود بر تو ای باب اللهی که جز از او نتوان در آمد.

گرچه ما را پر پرواز به درگاه تو نیست

مرغ پر سوخته را حسرت پرواز بس است

هست ابروی تو بیت الغزل و قمر عشق

عشق را خال لبست قافیہ پرواز بس است

## طناب

اگر امروز که امام زمان علیه السلام غایب است، کسی ببرد خطر ناک است، اما اگر کسی در زمان ظهور آن حضرت ببرد؛ خیلی خطر ناک است. چرا؟

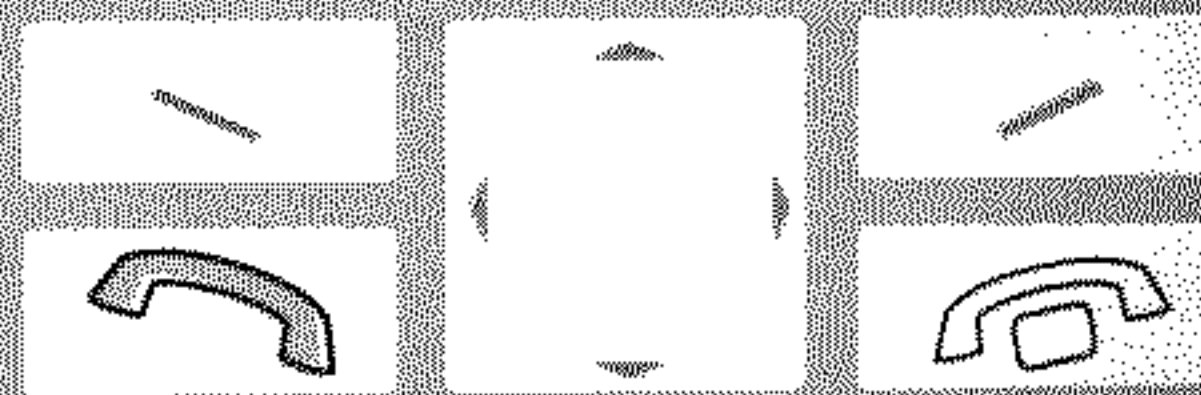
فرض کنید می خواهید صد کیلو عطر را که داخل شیشه‌ای است با طناب بالای پشت بامی بکشید، طناب را آزمایش می کنید، تا ببینید طاقت صد کیلو را دارد یا نه؛ یک سنگ صد و بیست کیلویی به آن وصل کرده، بالا می کشید اگر پاره شد خطری نیست، یک تخته سنگی از بالا به پایین افتاده است. می گوید الحمدلله که حالا پاره شد، این بند یک زدگی داشت، الحمدلله که حالا معلوم شد که ما آن شیشه عطر را به آن بستیم، اگر آن موقعی که صد کیلو عطر سرش بود، پاره می شد چه می کردم.

حالا شما می خواهید این طناب را آزمایش کنید، اگر بگویید: نود کیلو را با آن طناب می کشیم اگر طناب پاره نشد بعد صد کیلو هم پاره نمی شود، این خیانت است یا خدمت؟ شاید نتواند صد کیلو را بالا بکشد، نود کیلو دلیل صد کیلو نمی شود.

می گوید: خوب صد کیلو را با آن طناب می کشیم، می گوید باز هم شاید این صد کیلوی اول یک فشاری به یک جای طناب می آورد، زدگی پیدا کرد و در صد کیلوی دوم برید، نه این کار را نمی کنم. صد و بیست بزن، صد و چهل بزن، پانصد بزن، هر چه بیشتر بزنی دلم قرص تر می شود. یک وزنه سنگین به این بزن که اگر این بنای پاره شدن دارد، حالا پاره بشود که اگر یک تن بار را سالم بالا ببرد، قسم می خوری که صد کیلو را


مثل آب بالامی برد. پس براین قرار، باید فشارهای قبل از ظهور یک مقدار بیشتر از بعد ظهور باشد، چون بعد از ظهور، با آن امانت بزرگ الهی که بقیه الله است، می خواهی کار کنی، با او کار کردن مشکل است.

انتظار، دل می خواهد و  
رستم دستانی که آتش  
فراق را در دست نگه دارد  
و فرهادی که بیستون  
معرفت را به یقین رسیده  
باشد.

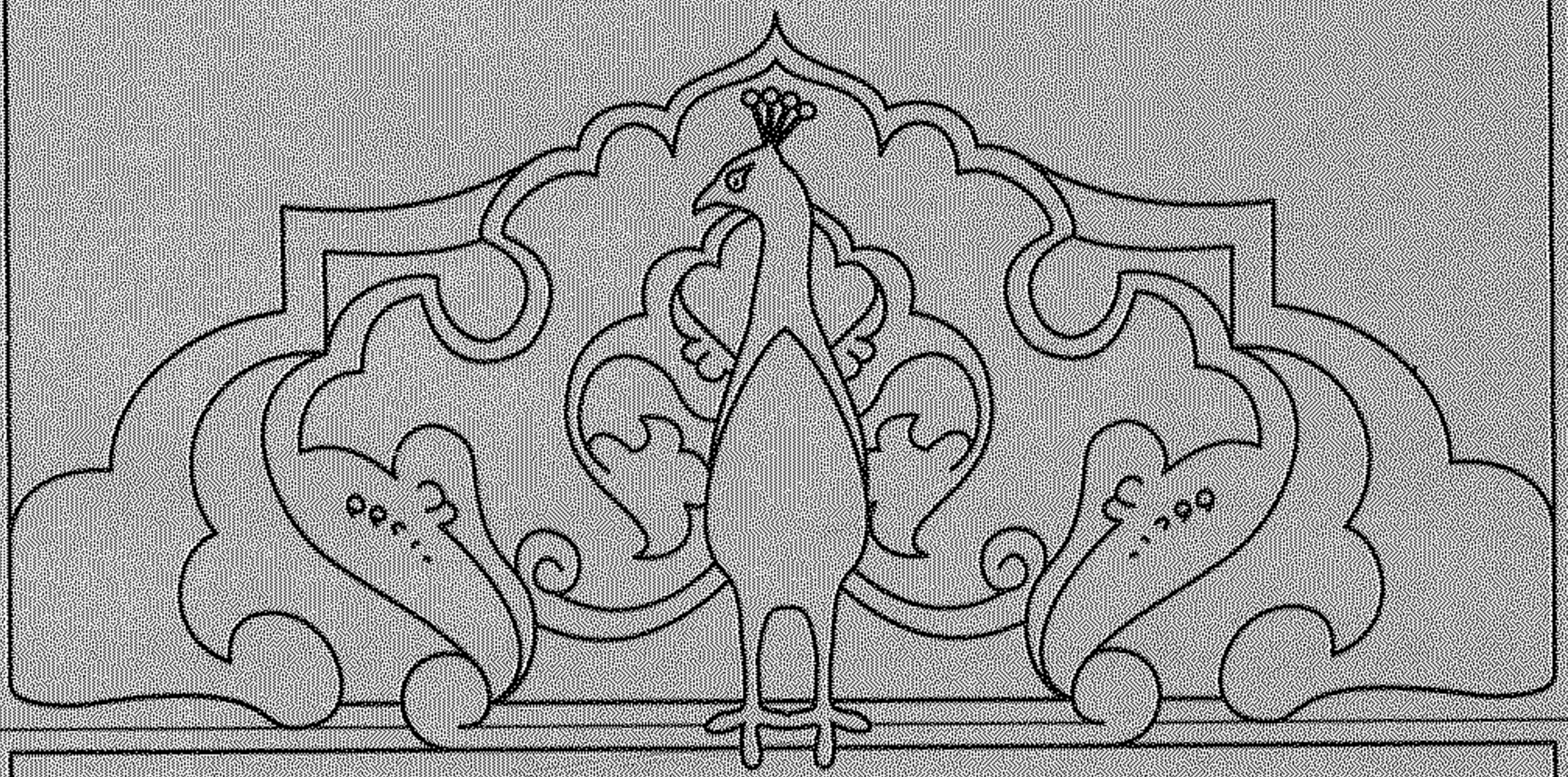


## نگاه پدر

هر کاری که می‌خواهی انجام بدهی، اول توجه کن که آیا امام  
زمانت به آن کار راضی است و اجازه آن را به تو می‌دهد و موجب  
خوشحالی او می‌شوی؟

بچه‌های مؤدب و با تربیت را در مهمانی دیده‌ای؟ وقتی شربت،  
شیرینی، و شکلات به آنها تعارف می‌شود، پیش از آن که چیزی بردارد،  
به پدر نگاه می‌کند و از نگاه او می‌فهمد که بردارد یا نه؟  
ما نیز دست به هیچ کاری دراز نکنیم، جز آنکه بدانیم رضایت امام  
زمان  در آن است؛ چون رضایت او، رضایت خداست.

ای نگاه مهربان! جان  
تازه‌ای ببخش  
گرچه کار چشم توست  
مرگ احتمالی ام



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْنَ الْأَغْلَامِ الْبَاهِرَةِ

درود بر نوای پسر علقه های فروزبان

ای گل زکس، گل عشق همه

یوسف زیبای آل فاطمه

حسن یوسف، و امدار حسن توست

یوسف آغاز بهار، حسن توست

## اسب بی صاحب

اسب بی سوار و بی صاحب، وارد مزرعه‌های مردم می‌شود و به این طرف و آن طرف می‌رود، اما اسبی که صاحب دارد، زمامش در دست صاحب آن است و در بیراهه حرکت نمی‌کند. الآن کشورهای قدرتمند جهان، اسب بی صاحبند، بلکه بدتر مانند حیوانات درنده‌اند. انسان بی صاحب هم از هر حیوانی خطرناک‌تر است؛ چون زور و قدرت و توانایی‌اش بیشتر است، اما اگر صاحب پیدا کرد، از همه آنها بهتر می‌شود. انبیا و امامان علیهم‌السلام آمده‌اند که انسان را بر نفس خود مسلط کنند. امام زمان عج که به او صاحب الزمان و صاحب العصر می‌گویند، صاحب این زمین است و ما افتخارمان به این است که صاحب داریم و بی صاحب نیستیم.

هر کجا سلطان بود  
دورش سپاه و لشکر است  
پس چرا سلطان خوبان  
بی سپاه و لشکر است



## کتاب و معلم

ظهور امام زمان عجل الله فرجه، یعنی آنچه را پیامبر ص روز اوّل به مردم می داد، دوباره همه مسلمانانها پیدا کنند و کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام را با همدیگر زیارت کنند و از هر دو استفاده کنند و قرآن را از اهل بیت علیهم السلام بیاموزند.

شما در کلاس های درسی دو چیز را می بینید: یکی معلم، یکی کتاب. اگر دانش آموزی که به مدرسه می رود، کتاب داشته باشد، ولی معلم نداشته باشد، چیزی از درس نمی فهمد. همچنین اگر معلم باشد، ولی کتاب نباشد، معلم نمی تواند درس بدهد. ممکن است یک معلم، چیزی بگوید و معلم دیگر از پیش خودش چیز دیگری بگوید. پس برای کلاس، هم معلم لازم است و هم کتاب.

قرآن کتاب درسی مسلمانان است و اهل بیت علیهم السلام، معلم این کتاب هستند. ظهور امام زمان عجل الله فرجه یعنی دوباره این معلم بر سر کلاس می آید و برنامه آموزشی همه، یک دست و هماهنگ می شود.

خوشا به حال آنان که در کلاس انتظار حتی یک جمعه هم غیبت ندارند.

## جاده اتوبان

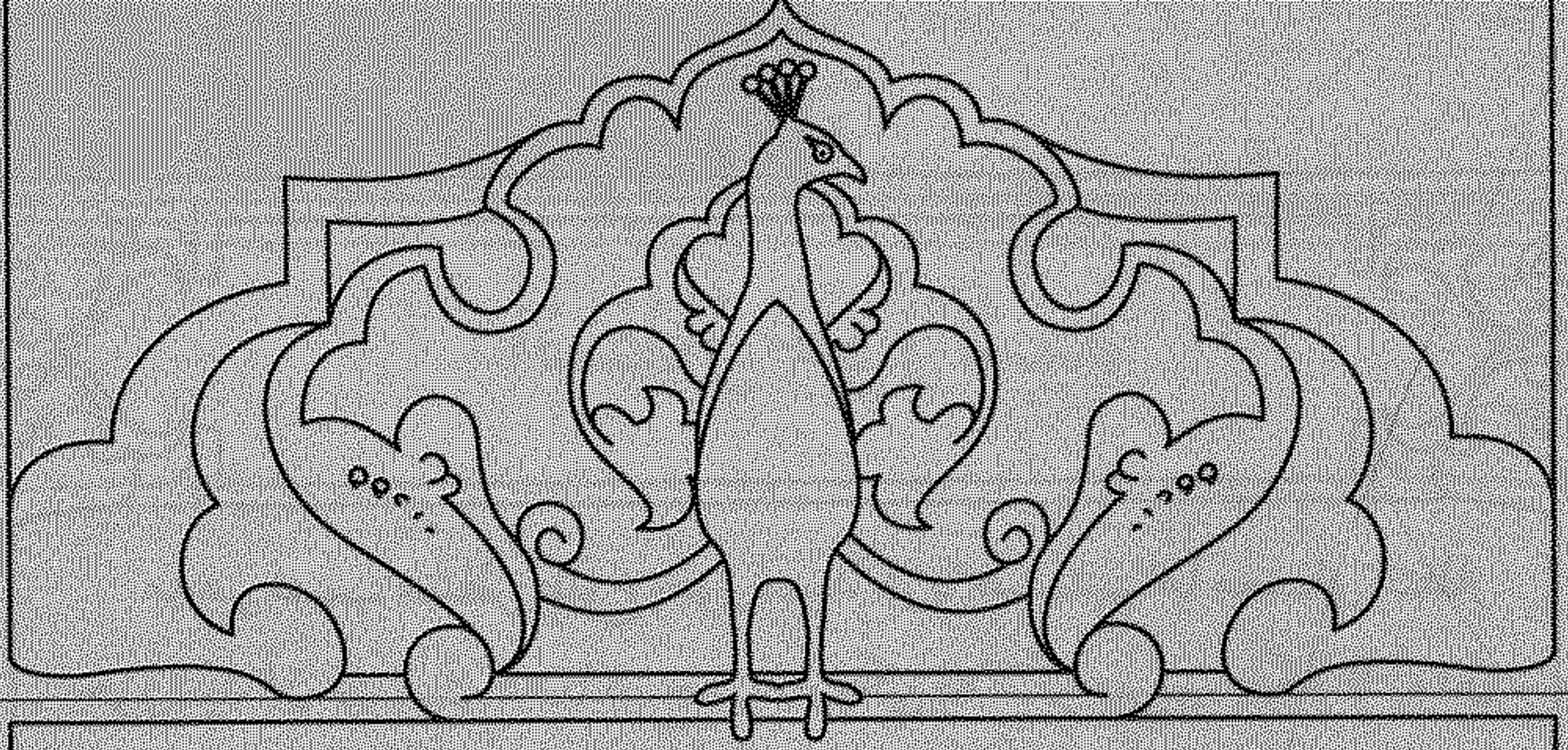
تصور کنید کاروانی در سنگلاخها و بیابانها و کویرهای خشک و حشتناک، سالهای متعددی با سینه خیز و با زحمت حرکت کرده تا خودش رابه جاده اتوبان وسیع آسفالته رسانده است. آن وقت است که حرکت تازه و با سرعت او در اتوبان شروع می شود.

این جاده اتوبان را امام زمان عج افتتاح خواهد کرد و بشر زندگی تازه تاریخی خود را شروع خواهد کرد و حرکت تاریخی او در آن زمان است که صورت می گیرد. در آن وقت است که استعداد های

انسان ظهور خواهد کرد. دانشی که بشر تا امروز پیدا کرده، در مقابل استعدادهایی که خداوند در وجود بشر گذاشته، صفر است. بنابراین نمی توان گفت: که با آمدن آن حضرت، عمر بشر و زندگی او به پایان می رسد و باید منتظر صور اسرافیل بود. مگر ممکن است که بشر چند هزار سال با زحمت فراوان زندگی کند، وقتی آن حضرت می آید و دنیا را پر از عدل و داد میکند، دنیا هم تمام شود؟ وقت ظهور حضرت مهدی عج دنیا

ای دل بشارت می دهیم  
خوش روزگاری می رسد  
یا درد و غم طی  
می شود یا شهریاری  
می رسد

تازه شروع می‌شود و با آمدن او، اول زندگی بشر، اول تاریخ انسان و اول  
رشد و تعالی جوامع بشری به صورت کلان، نه به صورت تک تک که  
حالا داریم تازه شروع خواهد شد.



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ... سَفِينَةَ النَّجَاةِ، وَعَلِمِ  
الْهُدَى، وَتَوِّرْ أَبْصَارَ الْوَرَى.

خدا با رحمت فرست بر... کشتی نجات و علم  
هدایت و نور دیده های مردم.

غروب عمر شب انتظار نزویک است  
طلوع مشرقی آن سوار نزویک است  
در آسمان نگاه آن پرنده را دیدی؟  
اسیر موج نگروی، کنار نزویک است

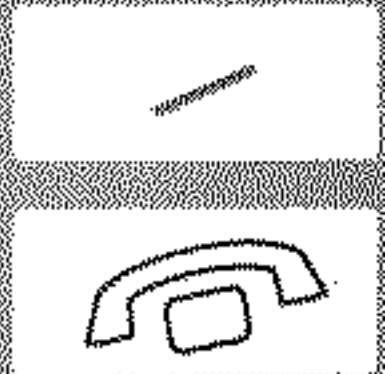
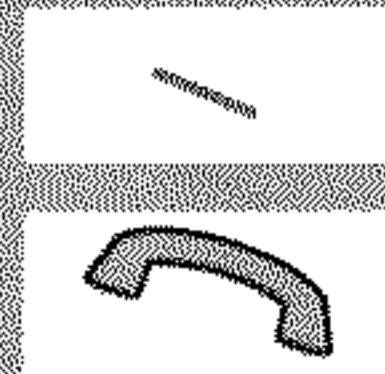
## انتظار خورشید

ما هر شب منتظر طلوع خورشید فردا هستیم اما معنای انتظار خورشید آن نیست که تا صبح در تاریکی به سر ببریم، بلکه تا آمدن خورشید، هر کسی اتاق خود را روشن می‌کند. یا در زمستان منتظر فرارسیدن تابستان هستیم ولی معنایش این نیست در طول زمستان از سرما بلرزیم و اتاق خود را گرم نکنیم. امام زمان علیه السلام در زمان غیبت همانند خورشید پشت ابر است و ما منتظران رؤیت خورشیدیم، اما این بدان معنا نیست که دست روی دست بگذاریم و هیچ کاری نکنیم بلکه در زمان غیبت امام زمان علیه السلام باید به مقدار توان خود، با ظلم مبارزه کنیم و در صدد اصلاح خود و جامعه بر آییم.

در روایت می‌خوانیم: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ بهترین اعمال، انتظار فرج حضرت مهدی علیه السلام است. بر اساس این حدیث، انتظار، حالت نیست، بلکه عمل است. بنابر این منتظران واقعی، باید اهل عمل باشند.

کسی که منتظر مهمان است در خانه آرام نمی‌نشیند و خانه را برای آمدن مهمان آماده می‌کند. بنابراین آمادگی برای ظهور، خودسازی، امر به معروف، دعوت به حق و آگاه‌سازی دیگران، از وظایف مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌باشد.

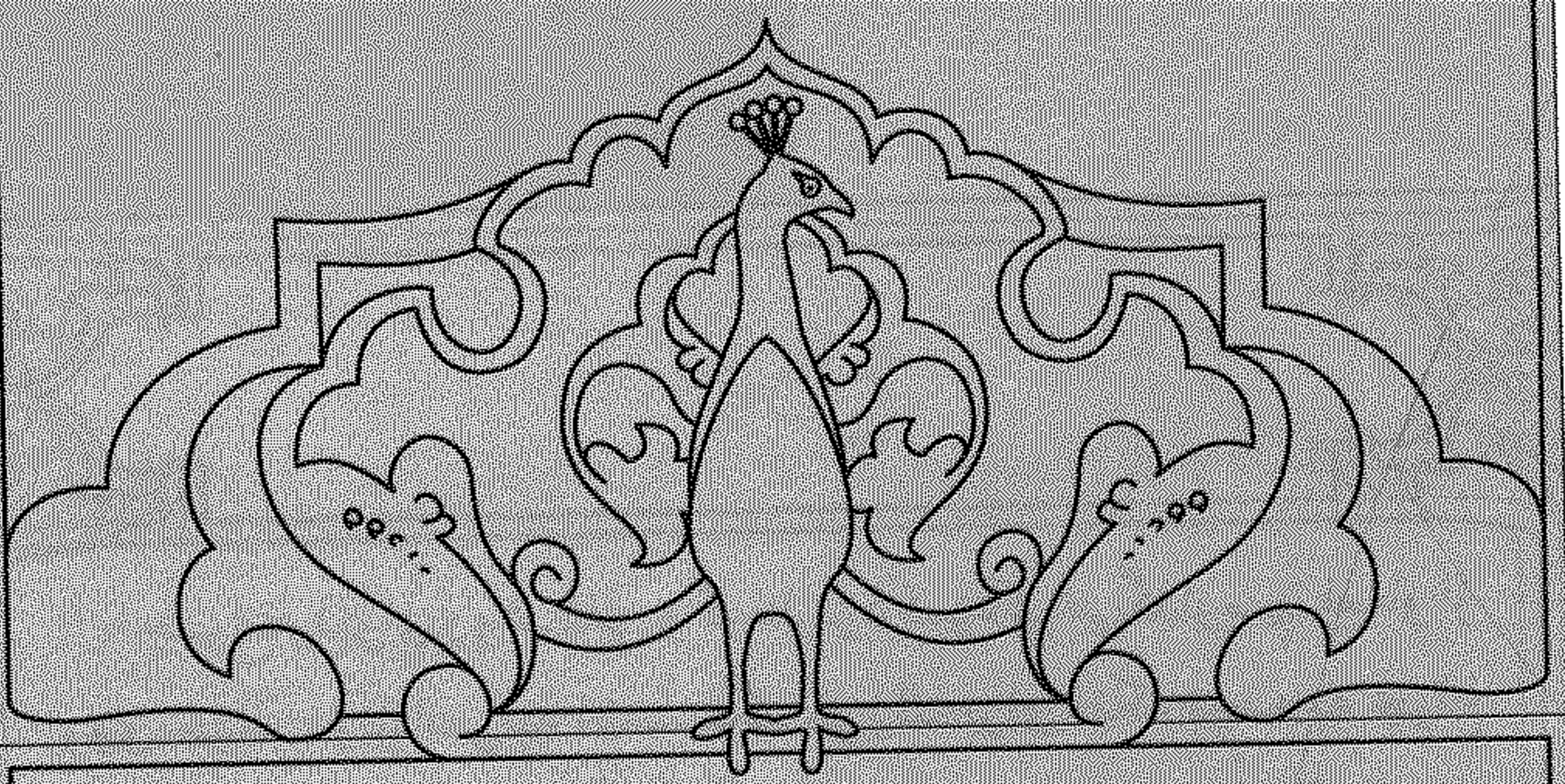
آب زنید راه را این که نگار  
می‌رسد  
مژده دهید باغ را این که  
بهار می‌رسد



## پدر منتظر

فرض کنید اعضای خانواده به مهمانی می‌خواهند بروند پدر زودتر از همه لباس و کفش را می‌پوشد و آماده میشود و ماشین را روشن می‌کند و سر کوچه منتظر آمدن بچه‌هایش می‌شود، اما در خانه یکی از بچه‌ها دنبالش می‌گردد، دیگری دنبال جوراب است. در اینجا پدر آماده است و منتظر آمدن بچه‌هایی است که هنوز آماده نشده‌اند. امام زمان علیه السلام هم منتظر ماست، نه این که ما منتظر او باشیم، چون انسان آماده است که همیشه منتظر انسان غیر آماده است.

ما غائب و او منتظر  
ماست.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَوْرَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُظْفَى

درود بر ثورای نور خدا که خاموشی ندارد.

شب نیست که آهم به ثریا نرسد

از چشمم ترم آب به دریا نرسد

میسیرم از این لحظه که آیا روزی

ویدار به ویدار رسد یا نرسد



## چراغ

چراغ را برای روشنایی و گرما، نزد کودک می‌گذاریم، اما او از روی جهالت و نادانی به آن سنگ می‌زند. برای آنکه بچه به چراغ آسیب نزند آن را بر می‌داریم. برداشتن چراغ دلیل ترس و ناتوانی در برابر کودک نیست و از قدرت او نمی‌ترسیم، بلکه از خطا و اشتباه او می‌ترسیم. البته اگر چند لامپ و چراغ داشته باشیم، ممکن است آن را برنداریم و در صورت آسیب دیدن آن، چراغ دیگری بیاوریم، ولی اگر فقط یک چراغ باقی مانده باشد، آن را از دسترس بچه دور می‌کنیم تا نشکند. امامان بزرگوار ما مانند چراغ‌های هدایتی هستند که خداوند

در مسیر انسان نصب کرده است. در اثر اشتباه و خطای گذشتگان، یازده تن از آنها به شهادت رسیدند و یکی از آنها که امام زمان علیه السلام است باقی مانده و خداوند برای جلوگیری از اشتباه ما که به آن آسیبی نزنیم، آن حضرت را از دیدگان ما غایب ساخته است و تا هنگامی که این احتمال و اشتباه باشد، غیبت آن حضرت همچنان ادامه پیدا می‌کند و از ظهور او هم خبری نیست که نیست.

زمستان خسته شد از  
بی‌بهاره  
جهان می‌لرزد از این  
بی‌قراری  
گمانم جمع‌های باقی  
نمانده  
خدایا تا به کی چشم  
انتظاری

## مژه

موهای سر، ریش، مژه و ابرو همه در کنار هم در یک صورت قرار دارند و همه به نحوی در حال رشد هستند و در حالی که موهای سر و ریش دائماً در حال رشد و تغییرند، اندازه موی مژه در طول سالهای متمادی تقریباً ثابت باقی می ماند، با اینکه همه آنها از یک پوست و گوشت و خون و غذا و اکسیژن تغذیه می کنند. بنابراین اراده و قدرت خداوند بر این تعلق گرفته که در یک صورت، یک مو ثابت و در کنار آن موی دیگری متغیر باشد.

عمر انسان نیز همین گونه است. خداوند برای حضرت نوح علیه السلام

عمری هزار ساله و برای اصحاب کهف خوابی سیصد ساله قرار داد. خداوندی که قادر است موی مژه را در صورت بدون تغییر نگه دارد و عمر و خواب چند صد ساله به انسان بدهد، همان خدایم می تواند به امام زمان علیه السلام عمر طولانی بدهد و تا فراهم شدن زمینه ظهورش او را زنده نگه دارد.

تو عاشقانه ترین نام و  
جاودانه ترین یادی  
تو از تبار بهاری تو بازمی  
گردی  
تو آن یگانه ترین رازی تو  
جاودانه ترینی  
برای آن که نمی داند  
برای آن نمی خواهد  
برای آن که نمی داند و  
نمی خواهد  
تو بی نشان ترین باش.

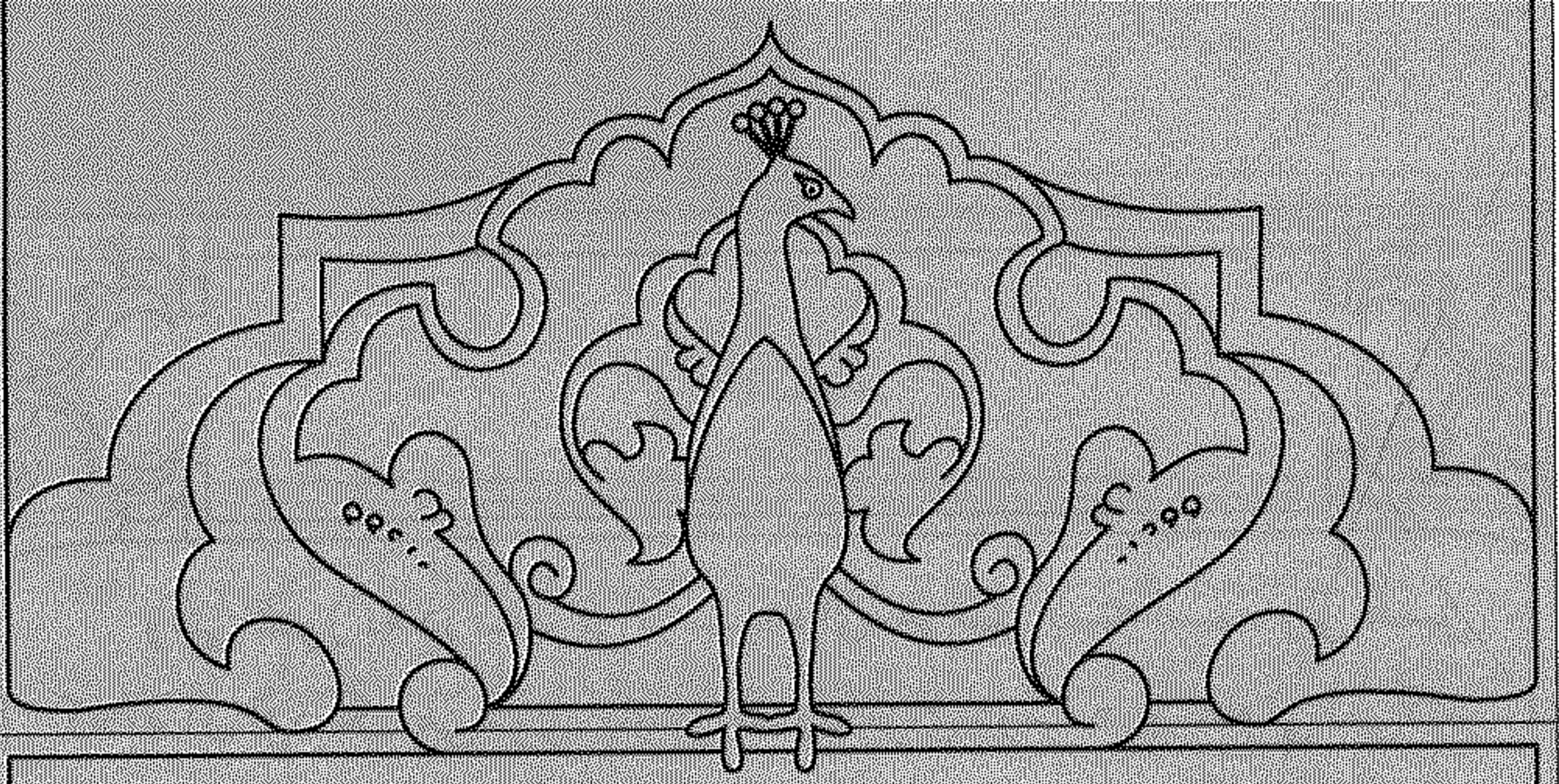
## فرمانده

بدن انسان از میلیاردها سلول تشکیل شده است همه این سلول ها، در سراسر بدن با یک مرکز فرماندهی ارتباط دارند به همین جهت، اگر شما سوزنی را به سر انگشتان بزنید، فوراً مرکز فرماندهی متوجه آن می شود یعنی تا یکی از چند میلیارد سلول زخمی می شود، فوری اطلاع به مرکز فرماندهی داده می شود و آن مرکز آن را حس می کند.

چندین میلیارد انسان هم به امام زمان ع وصلاند و همه آنان تحت ولایت و فرماندهی او هستند خود تو یکی از این مجموعه چند میلیاردی هستی که امام ع فرمانده و قلب آنهاست. بنابراین وقتی کار

ثواب یا خدای نا کرده گناه می کنی، فوری به آن حضرت منتقل می شود از این رو، امام ع می فرماید: وقتی مومنان کار خوب می کنند، خوشحال می شوم و برایشان دعا می کنم و هرگاه مرتکب گناه شوند، ناراحت می شوم و برایشان استغفار می کنم.

کردگارا رحتمی، آرام جان  
گم کرده ایم  
بلکه در ابدان خود روح و  
روان گم کرده ایم  
ما یتیمان، مهدی صاحب  
زمان گم کرده ایم  
جمله گمراهیم، میر کاروان  
گم کرده ایم



سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْوُرُهُ الَّذِي لَا يَحْتَمُوا

تبع خداست که کند نشود، و نورش که  
خاموش نگردد.

هنوز مانده به میعاد آخرین گل سرخ  
هنوز بنعم خون ارغوان تنهاست

## امید

وقتی هنوز به درب برقی نرسیده ای، می بینی بسته است، ولی همین که به آن نزدیک می شوی، باز می شود. برای درب هیچ تفاوتی نمی کند چه کسی هستی و از کجا می آیی، کوچک هستی یا بزرگ، سفیدی یا سیاه، پاک هستی یا آلوده، بلکه هر چه باشی به روی تو گشوده می شود. درگاه و دستگاه خداوند نیز چنین است، هر چه باشی و هر که باشی، تو را می پذیرد. امام زمان علیه السلام هم مثل خداوند رفتار می کند؛ یعنی هر کسی که به او رو کند، او را می پذیرد و آغوش خود را به روی او می گشاید. هر کسی که به اهل بیت علیهم السلام اقبال کند، حتی اگر در حق آنان جفا شده باشد، باز هم او را می پذیرند.

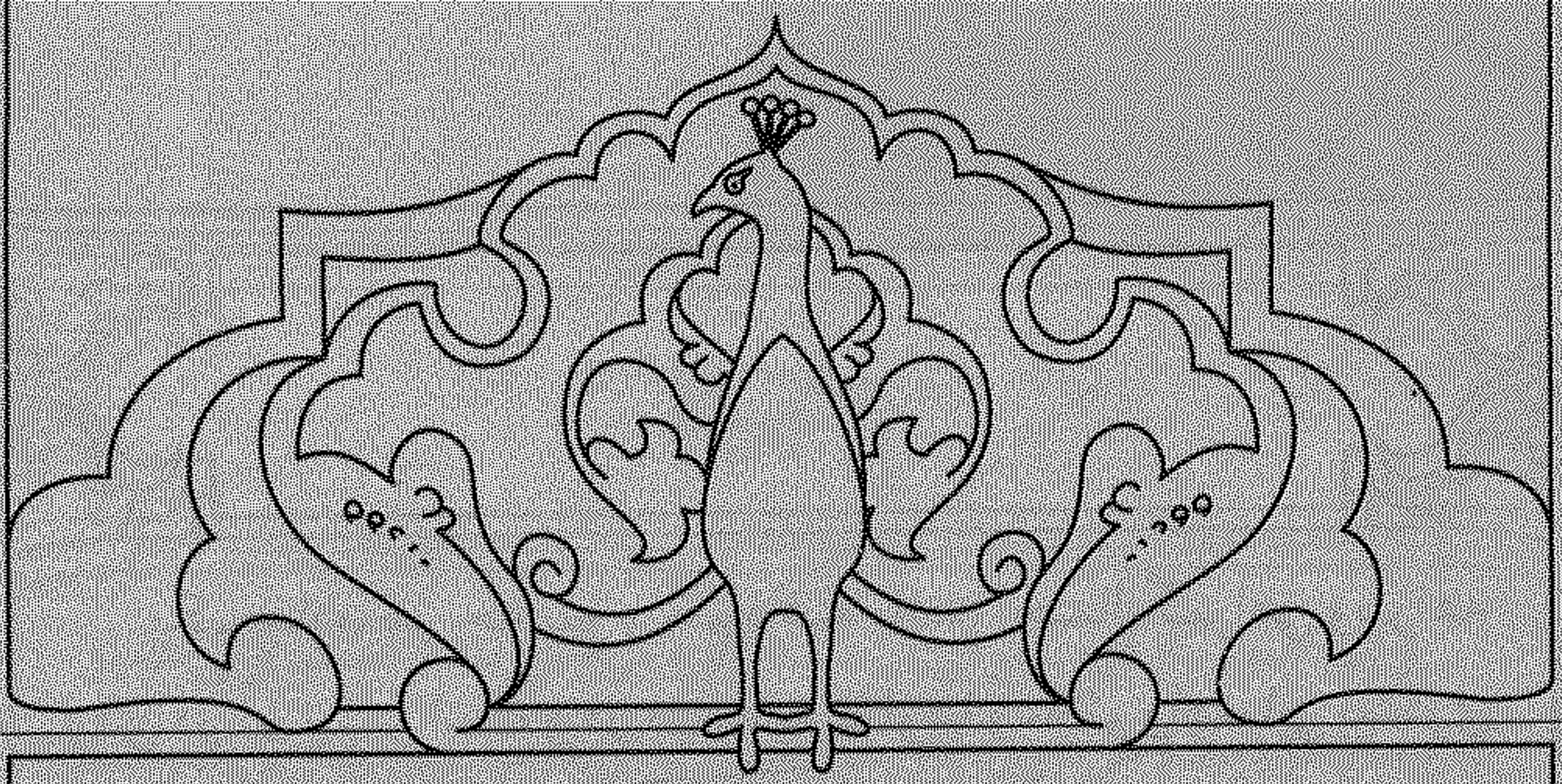
ویرانه نه آن است که  
جمشید بنا کرد  
ویرانه نه آن است که  
فرهاد فرو ریخت  
ویرانه دل ماست که هر  
جمعه به یادت  
صد بار بنا گشت و دگر بار  
فرو ریخت

## پرچم

یک جاده، هر چه پیچ و خم داشته باشد، احتمال گمراهی و بیراهه رفتن در آن بیشتر است و در نتیجه به تابلوها و علائم راهنمایی بیشتری نیاز خواهد بود.

قران و اهل بیت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام همانند علائم راهنمایی هستند. بهر مندی از این علائم به این شرط است که شخصی که در جاده است، اهل هدایت باشد و دوست داشته باشد که سلامت به سر منزل مقصود برسد. هر جا که علامتی هست به آن توجه کند، نه این که با سرعت غیر مجاز حرکت کند و هر طور که دلش خواست، رانندگی کند چنین فردی که به علائم توجه نمی کند، حتی ممکن است به رانندگانی که به علائم توجه می کنند، نسبت نادانی و عقب ماندگی بدهد. بنابراین اگر کسی دوست دارد که راه الهی را طی کند امام زمان علیه السلام پرچم و تابلو هدایت او است. «من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلاً».

هر چند هزار و چند مشکل  
داریم  
صد جاده امید در مقابل  
داریم  
عمری است که در انتظار  
سلمان مانده است  
ایوان مدائنی که در دل  
داریم



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْخَيْرِ.

درود بر نوای چشمه حیات.

مادامی که عطش انتظار، کام جانمان را پر نکند، به دنبال یوسف فاطمه علیها السلام  
نخواهیم رفت.

## دریا

داستان ما و امام زمان علیه السلام مانند داستان چاله‌ای در همسایگی دریاست. این چاله و دریا که نزدیک یکدیگر قرار دارند، اگر از طریق جویی هر چند باریک با یکدیگر رابطه نداشته باشند، هر گونه رفتار که با چاله انجام گیرد، برای دریا تفاوتی ندارد. اما اگر با یکدیگر ارتباط داشته باشند، ماجرا گونه دیگری خواهد بود، چرا اگر کسی از آن کم کند، از دریا نیز کاسته است و اگر بر آن بیفزاید، بر دریا نیز افزوده است. تو هم اگر انسان منتظر و شیعه‌ای را اذیت کردی، چون او با امام زمان علیه السلام ارتباط دارد، خاطر آن حضرت را مکدر ساخته‌ای و چنانچه او را خوشحال کنی، آن حضرت را خوشحال کرده‌ای.

توای صفای ضمیرم چرا  
نمی‌آیی؟  
چرا بهانه بگیرم چرا  
نمی‌آیی؟  
اگر حجاب ظهورت وجود تار  
من است  
خدا کند که بمیرم چرا  
نمی‌آیی؟



## آب جاری

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاوَكُمْ غُورًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»<sup>۱</sup> به آنها بگو: به من خبر دهید اگر آب‌های مورد استفاده شما، در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟

ظاهر آیه به اهمیت «آب جاری» در زندگی انسانها مربوط است، ولی در روایات متعدد مصداق آب جاری «وجود مقدس امام مهدی علیه السلام دانسته شده است. در منابع معتبر روایای از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام يَقُولُ: «إِنْ أَصْبَحَ أَمَا مُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِأَمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَحَلَالِ اللَّهِ جَلٍّ وَعَزٍّ وَحَرَامِهِ. ثُمَّ قَالَ عليه السلام وَاللَّهِ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَلَا بُدَّ أَنْ يَجِي تَأْوِيلُهَا». این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده است می‌فرماید: اگر امامتان غایب شود و ندانید که او کجاست چه کسی امام ظاهری برای شما خواهد آورد تا اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیاورد؟ سپس فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده است و ناگزیر خواهد آمد.

با کمی تأمل در می‌یابیم که تفسیر آب - این مایه حیاتی مادی بشر - به وجود مقدس امام زمان علیه السلام که سبب حیات معنوی جامعه انسانی است، امری پذیرفتنی و قابل فهم است.

نقش امام در جامعه انسانی مثل آب، نقش مهم و اساسی است و البته شباهت‌هایی میان این دو وجود دارد:

۱- در قرآن کریم آب، منشأ همه موجودات معرفی شده است.

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»<sup>۲</sup>؛ و همه چیز را از آب، حیات و

زندگی دادیم.

امامت حضرت مهدی علیه السلام نیز، مایه حیات فکری و معنوی بشر است، چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«اِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ»<sup>۲</sup>

وقتی قائم ما علیه السلام قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان قرار می‌دهد و بدین سبب خردهای آنها را جمع کرده و عقل ایشان را کامل می‌کند.

۲- همان گونه که نزول آب از عالم بالاست، موضوع امامت مهدی علیه السلام و ظهور او نیز امری آسمانی است. قرآن کریم درباره آب فرموده است: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ الْمَاءَ»<sup>۵</sup> و خداوند از آسمان آب فرو فرستاد و درباره مسائل امامت می‌فرماید: ... وَلَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ<sup>۶</sup> (مراد از پیمان الهی امامت است) و پیمان من به ستمکاران نخواهد رسید.

۳- آب سبب پاکیزگی و رفع آلودگی است. حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز مایه پاکیزگی و طهارت دل‌هاست. در روایتی از امام علیه السلام نقل شده است:

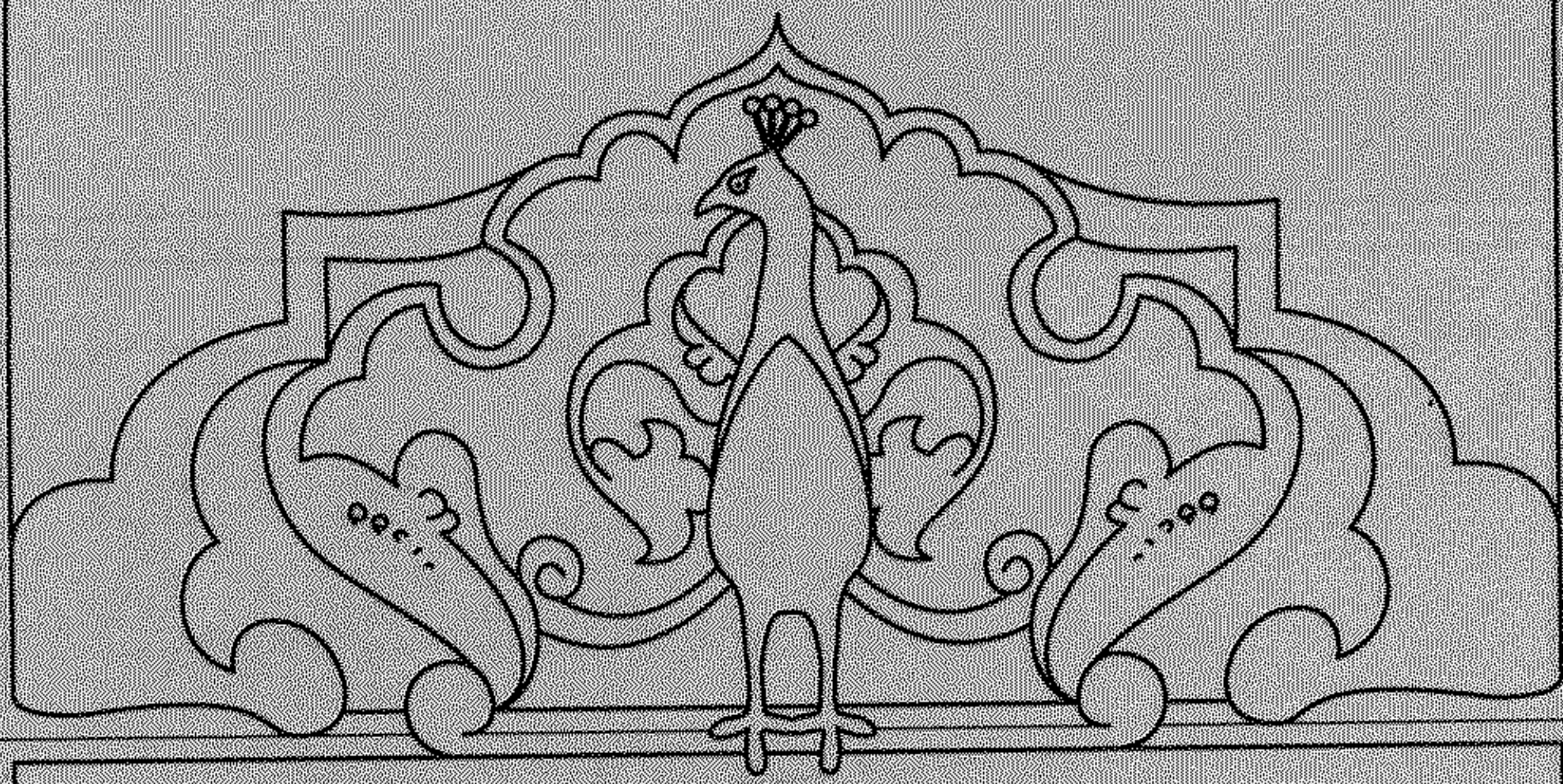
«لَوْ قَدِ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»<sup>۷</sup> اگر قائم ما قیام کند... کینه [دشمنی] از دل‌های بندگان برود.

همان گونه که اگر آب به اعماق زمین برود، هیچ کس به آن دسترسی ندارد و بشر با همه توان خود از رسیدن به آن آب ناتوان خواهد بود، اگر امام به اراده پروردگار در پس پرده غیبت قرار گیرد، مردم نمی‌توانند امامی از میان خود برگزینند، بلکه نیاز آنان به امام و پیشوای آسمانی باقی است. پس باید در طلب او باشند. و از خداوند ظهور او را بخواهند،

همان گونه که در نبود آب، باید از خداوند طلب کنند که چشمه‌های آنها را پر آب کند.

کلاس اول خواندیم «آن  
مرد در باران آمد» ولی حالا  
می‌فهمیم آن مرد تا نیاید،  
باران نمی‌آید.

۱. ملک ۱۶۷ آیه
۲. کما الدین و تمام النعمه ج ۱ باب ۳۲ ص ۳۲۵ ح ۳
۳. انبیاء، آیه ۳۰
۴. کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ص ۲۵، ح ۲۱
۵. بقره، آیه ۲۲
۶. تفسیر مجمع البیان و المیزان
۷. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ

درود بر نوابی پسر انوار درختان

- کجایی ای خورشید عالمتاب هستی! کجایی ای ترنم دل‌های  
بارانی! ای بقیة الله...! من در پی رؤیت روی آفتابیت هستم، دلم بی‌قرار  
است و از روزهای سرد پاییزی گله مند و از ندیدنت گریان. سر به زیر  
می‌افکنم و حجل از روی آفتابیت که با مهربانی مرا نظاره می‌کنی.

## شباهت امام مهدی عج با آدم ع

خداوند آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و چنین فرمود: **انی جاعل فی الارض خلیفه**. همانا من در زمین جانشینی قرار می‌دهم و خداوند حضرت حجت عج را نیز وارث زمین، و خلیفه خود در زمین قرار خواهد داد چنانکه از امام صادق علیه السلام روایت است که در تفسیر آیه: **وَعَدَ اللَّهُ الذِّینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ**: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داد که آنان را در زمین خلافت بخشد. فرمود: او قائم عج و اصحابش می‌باشند.

و در حدیث مفضل آمده که:  
خروج می‌کند در حالی که ابری  
بالای سرش سایه افکنده و در آن  
منادی ندا می‌کند: این مهدی خلیفه  
خداست از او پیروی کنید.

روی شناسه فطرت همه  
ادیان، نوشته‌اند: «تولد  
دوباره: وقتی منجی  
بیاید.»

## شباهت امام مهدی عج به داود ع

حضرت داود ع را خداوند عزوجل در زمین خلیفه ساخت و فرمود:  
«یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض»؛ ای داود ما تو را در زمین  
خلافت دادیم.

حضرت قائم عج را نیز خداوند، خلیفه خود در زمین قرار داده است.  
داود ع را سنگ با او سخن گفت و صدا زدای داود مرا بگیر و جالوت  
را با من به قتل برسان. قائم عج نیز پرچم و شمشیرش او را صدا می‌کنند  
و می‌گویند: ای ولی خدا، خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.  
در روایت آمده است که سنگ در زمان ظهور آن حضرت هنگامی که

کافری زیر آن پنهان می‌شود، مؤمن  
را صدا می‌زند و می‌گوید: ای مؤمن  
زیر من کافری است او را بکش، پس  
مؤمن می‌آید و آن کافر را می‌کشد.  
حضرت داود ع به الهام الهی در  
میان مردم حکم و قضاوت می‌کرد،  
حضرت قائم عج نیز به حکم داود ع  
قضاوت خواهد کرد و از بنیه و شاهد  
نمی‌پرسد و نیازی به آن ندارد!

عارفان را به خدا  
معرفت آموز تویی  
داور و دادرس و دادگر  
امروز تویی  
مصلح کل تویی و بر  
همه پیروز تویی  
ای رایت سترگ عدل و  
عدالت!

## شباهت امام مهدی عج به خضر ع

خضر ع را خداوند عمرش را طولانی نموده، و این موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد.<sup>۱</sup> قائم عج را نیز خداوند عمرش را طولانی قرار داده، بلکه از بعضی از روایات استفاده می‌شود که حکمت اینکه عمر خضر طولانی شده این است که دلیلی بر طول عمر قائم عج باشد.<sup>۲</sup> خضر ع مأمور به علم باطن بود، چنانکه به موسی ع گفت: اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا و كيف تصبر على ما لم تُحِطْ بِهِ خُبْرًا<sup>۳</sup> همان تو هرگز همراه من صبر نتوانی کرد، و چگونه صبر نمایی بر آنچه نسبت به آن علم و احاطه نداری. قائم عج نیز مأمور به علم باطن است.

ای مرد تمام قصه هایم  
برگرد  
آقای غریب آشنایم برگرد  
يك عمر همیشه منتظر  
می مانم  
مفهوم تمام گریه هایم  
برگرد

خضر ع وجه کارهایش آشکار نشد مگر بعد از آن که خودش فاش کرد. قائم عج نیز وجه غیبتش آن طور که باید مکشوف نمی‌شود مگر بعد از ظهور.

خضر ع هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند و تمام مناسک را انجام می‌دهد.

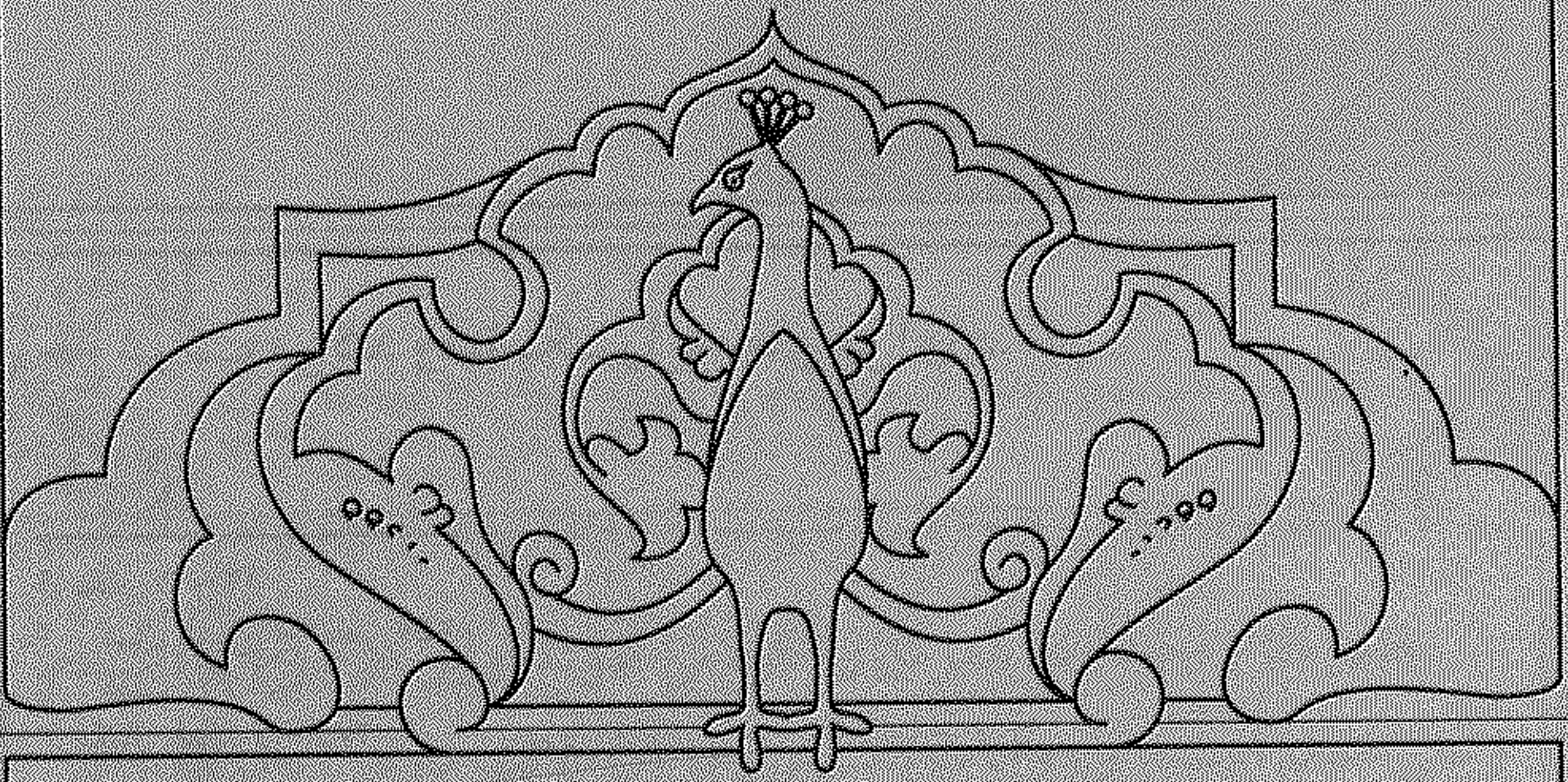
قائم عج نیز هر سال در مراسم

## حج شرکت می کند و مناسک را به جای می آورد.<sup>۴</sup>

- 
۱. بحار ۱۳۰/۴۷
  ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷
  ۳. کشف ۶۷/
  ۴. مکیال المکارم ۲۷۵/۱







السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ!

درود بر نوای کشتی نجات.

کشتی امید در گل تابه کی  
انک اللهم عجل تابه کی  
تابه کی از داغ هجران تو صبر  
جلوه کن ای آفتاب پشت ابر

## شبهات امام مهدی علیه السلام با حضرت نوح علیه السلام

نوح شیخ انبیا است: از امام صادق علیه السلام و امام هادی علیه السلام روایت است که حضرت نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال عمر کرد. و حضرت قائم علیه السلام شیخ الاوصیا است.<sup>۱</sup>

و از امام زین العابدین علیه السلام روایت است که فرمود: در قائم علیه السلام روشی از آدم علیه السلام و نوح علیه السلام است و آن طول عمر می باشد.<sup>۲</sup>

نوح نجات، ایوب صبر،  
یعقوب محبت و ابراهیم  
خلوص را رهنمایمان ساز  
و راه فرج را پس از شدت،  
نمایان ساز

۱. اصول کافی ۵۱۴/۱  
۲. کمال الدین ۳۲۲/۱

## شباهت امام مهدی عج با حضرت یعقوب ع

یعقوب ع را خداوند پس از مدت طولانی؛ پراکندگی او را جمع فرمود و او را از پریشانی در آورد. قائم ع نیز خداوند پریشانی و پراکندگی او را پس از مدتی درازتر جمع خواهد ساخت. یعقوب ع برای یوسف ع آنقدر گریست تا چشمانش از اندوه سفید شد در حالی که خشم خود را فرو می برد.

قائم ع نیز برای جدش حسین ع گریسته (ومی گرید) و در زیارت ناحیه فرموده است: **و لا بکین علیک بدّل الدموع دماً**. به جای اشک بر تو خون می گریم!

یعقوب ع منتظر فرج بود و می گفت: **(لا تیا سوا من روح الله انه لا یبأس من روح الله الا القوم الکافرون)** از رحمت خداوند ناامید نشوید که همانا کسی جز از گروه کافران از رحمت خداوند مأیوس نشود. قائم ع نیز منتظر فرج است، چنانکه روایات شاهد بر این معنا است.<sup>۳</sup>

درد فراق در دل و داغ  
هجران بر سینه داریم.  
یعقوب وار، چشم انتظار  
فرجیم، و یوسف وار، در پی  
کنعان دیدار و پایان و انتظار

۱. بحار ۳۲۰/۱۰۱  
۲. سوره یوسف آیه ۸۷  
۳. مکیال المکارم ج ۱ ص ۲۷۱

## شباهت امام مهدی عج به حضرت یوسف ع

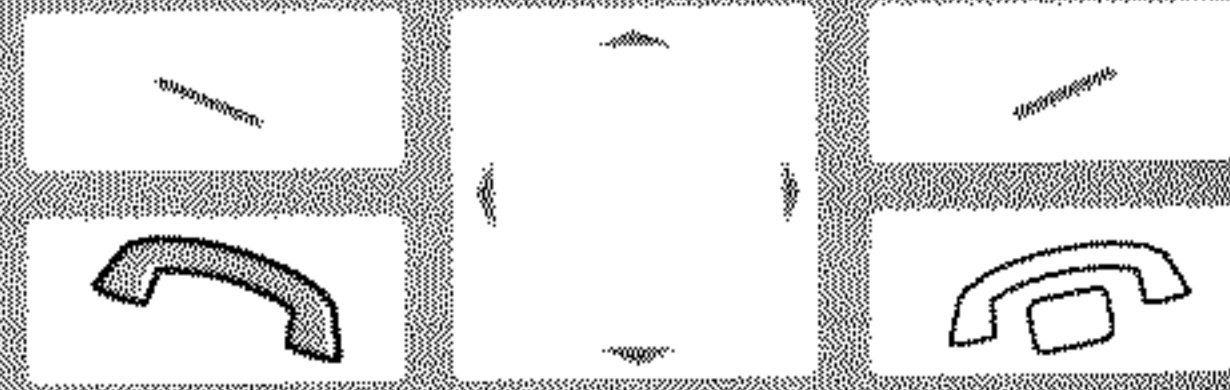
یوسف ع زیباترین اهل زمان خود بود. قائم ع نیز زیباترین اهل زمان خود می باشد. یوسف ع مدتی طولانی غایب شد تا اینکه برادران بر او داخل شدند پس آنان را شناخت در حالی که آنان او را شناختند. قائم ع نیز از خلق غایب شده، در عین حالی که در میان آنها راه می رود و آنان را می شناسد ولی آنها او را نمی شناسند.

یوسف ع را خداوند امرش را یک شبه اصلاح فرمود، که پادشاه مصر آن خواب را دید. قائم ع را خداوند متعال امرش را در یک شب اصلاح می فرماید، پس در آن یک شب یاران آن حضرت را از بلاد دور جمع می کند. از پیامبر اکرم ص مروی است که فرمود: مهدی از ما اهل بیت است خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند.<sup>۱</sup>

حضرت باقر ع فرمود: ... و اما شباهت قائم ع به یوسف بن یعقوب ع: غیبت از خاص و عام و مخفی بودن از برادران و پوشیده شدن امر او از پدرش یعقوب پیغمبر با وجود نزدیک بودن مسافت بین آن حضرت با پدرش و خاندان و پیروانش ...<sup>۲</sup>

۱. بحار ۲۸۰/۵۲  
۲. کمال الدین ۳۲۷/۱

مه‌دیم من، که مرا  
 گرمی بازاری نیست  
 بهتر از یوسفم و هیچ  
 خریداری نیست  
 همه می‌گویند: که در  
 حسرت دیدار منند  
 لیک در گفته این طایفه  
 کرداری نیست



## شباهت امام مهدی علیه السلام با عیسی علیه السلام

عیسی علیه السلام فرزند بهترین زنان زمانش می باشد. قائم علیه السلام نیز فرزند بهترین زنان زمانش می باشد. عیسی علیه السلام در شکم مادر تکلم کرده و تسبیح می گفت. قائم علیه السلام نیز در شکم مادر سخن گفته است. عیسی علیه السلام در کودکی در گهواره سخن گفت. قائم علیه السلام نیز در کودکی در گهواره سخن گفت، که چند روایت بر آن دلالت می کند از جمله در کتاب کمال الدین صدوق<sup>۱</sup> از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام آمده که؛ حضرت حجت علیه السلام بعد از ولادتش تکلم کرد و گفت: اشهدان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهدا ان محمداً رسول الله صلی الله علیه واله سپس بر امیر المؤمنین و امامان علیهم السلام یک به یک درود فرستاد تا به پدرش رسید، آنگاه لب فرو بست تا اینکه روز هفتم به توحید سخن گفت: و بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام درود فرستاد و سپس این آیه را تلاوت کرد: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ...<sup>۲</sup>

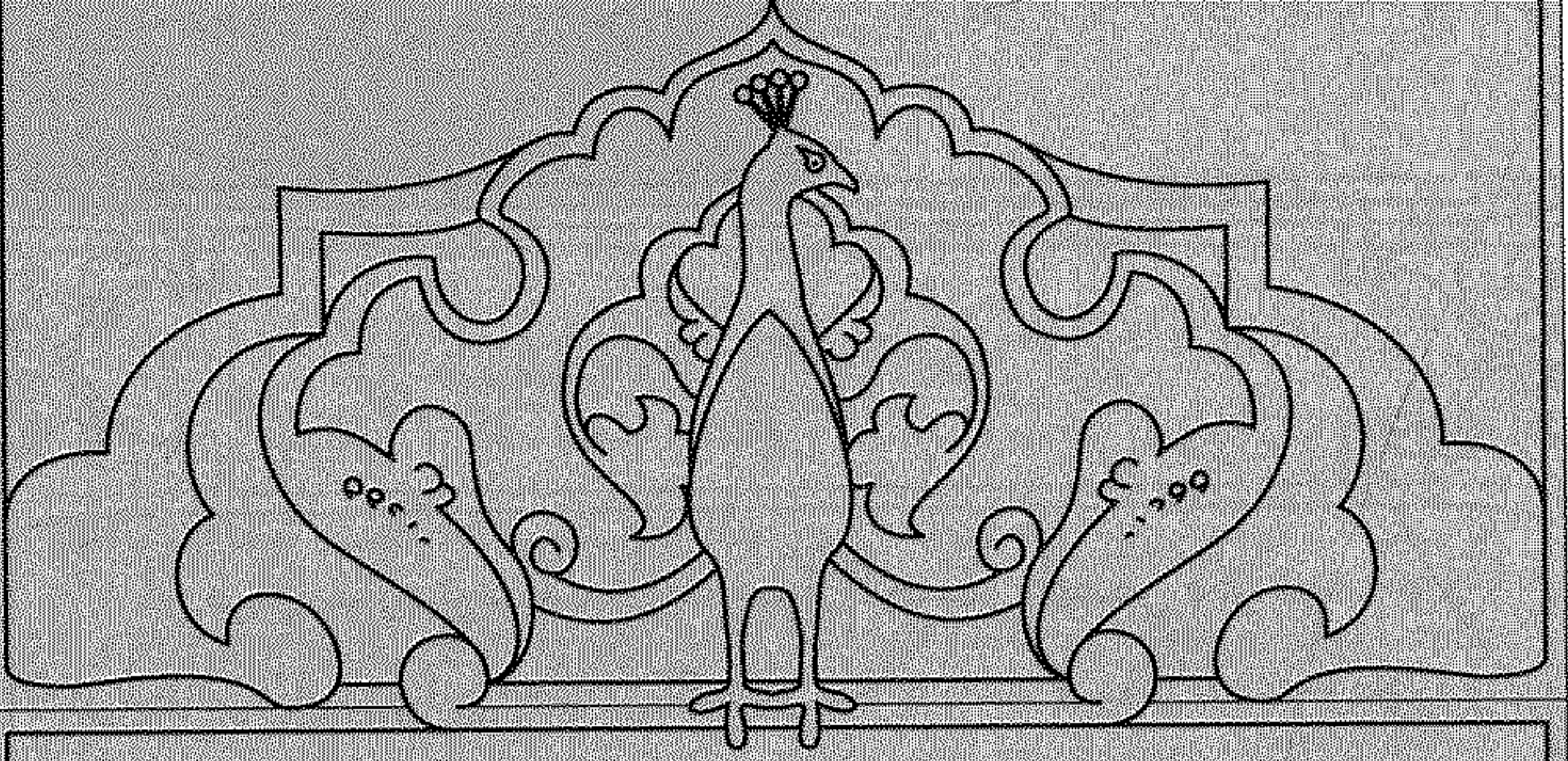
عیسی علیه السلام را خداوند حکمت و ویژگی های نبوت را به او عنایت فرمود. قائم علیه السلام را نیز خداوند حکمت و ویژگی های امامت را در کودکی به او عنایت کرد.

امام صادق علیه السلام در بیان شباهت حضرت حجت علیه السلام به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: یهود و نصاری اتفاق کردند بر اینکه عیسی علیه السلام کشته شد ولی خداوند عزوجل آنها را تکذیب کرد و فرمود: وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه لهم واورا نکشتند و به دار نیاویختند ولی امر به آنان مشتبه شد. غیبت قائم علیه السلام نیز همین طور است و به خاطر طولانی شدن غیبت آن حضرت، بعضی آن را انکار می کنند بعضی هدایت نشوند و خواهند

گفت: اصلاً متولد نشده، و بعضی دیگر خواهند گفت: متولد شده و مرده  
 و کسانی کفر می‌وزرند چون می‌گویند: یازدهمین نفر از ما عقیم بوده و برخی  
 سرکش خواهند شد به اینکه: امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند  
 و دیگرانی خدای عزوجل را معصیت کنند به اینکه بگویند: روح قائم علیه السلام  
 در کالبد دیگری وارد شده و اوسخن از زبان آن حضرت می‌گوید.<sup>۳</sup>

شب‌ها ستاره می‌شمرم  
 ز انتظار صبح  
 بر یاد مهر روی تو ای  
 شهریار صبح  
 پروانه و من و دل و شمع و  
 شب فراق  
 سوزیم ز اشتیاق تو در  
 انتظار صبح

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۵  
 ۲. سوره قصص ۵/  
 ۳. مکیال المکارم ۳۱۴/۱



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

درود بر تو ای باب خدا

کاش این جمعه دمی لایق ویدار شویم  
همچو مجنون ز غمش شهره بازار شویم  
کاش این جمعه دگر جمعه آخر باشد  
همچو پروانه به کورخ او یکسره پرواز کنیم



## یوسف علیه السلام و برادران

در قرآن سوره یوسف علیه السلام به عنوان احسن القصص ذکر شده، خیلی از مطالب باید در این احسن القصص نهفته باشد. مسائل غیبت و ظهور و نحوه ظهور در این احسن القصص پنهان شده است این سوره قصه ائمه و تاریخ آنها را بیان می‌کند، چون امامان به دست مسلمان‌ها گرفتار شدند نه به دست کافر‌ها، کسانی که عنوانشان عنوان اسلام بود و اهل نماز و عبادت بودند، ائمه علیهم السلام ما را خانه نشین کردند. یوسف علیه السلام را هم برادران خودش در چاه افکندند و بین او و یعقوب علیه السلام جدایی انداختند. چون آنان گرفتار حسد شده بودند و موضعی که نسبت به یوسف علیه السلام داشتند موضع انصاف نبود و نمی‌شد با آنان برخورد مناسب کرد.

امامان ما هم که مورد خشم بقیه امت واقع شدند، بخاطر کمالاتشان بود، یوسف علیه السلام هم بدلیل کمالاتش مورد بی‌مهری برادران قرار گرفت. اهل بیت علیهم السلام بدلیل محبتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنها داشت، این حالت را در طرف مقابل بوجود آورد که نمی‌توانستند اینها را تحمل کنند، گفتند: «اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ»<sup>۱</sup> و یوسف را بکشید یا به جایی دور پرت کنید که توجه پدر تنها برای شما باشد (پس از او قومی شایسته باشید) این همان کاری است که با امام علی علیه السلام کردند تا این امت تمام توجه‌اش به اینها نباشد. برادران یوسف کی متنبه می‌شوند؟ چهل سال طول می‌کشد، زمانها می‌گذرد، تحولاتی پیش می‌آید، قحطی می‌شود، ناچار می‌شوند بیایند مصر تا کمکی به آنها بشود، اما هنوز عوض نشده‌اند. آن کیل را

در بار برادر قرار می‌دهد و با پیشنهاد خود اینها، او را پیش خود او نگه می‌دارد. هنوز اینها پخته نشده‌اند و وقتش نیست که به اینان بگوید «انا یوسف»<sup>۲</sup> از این رو این مسأله را باز نکرد و سر بسته گفت: شما بدترید و خدا بهتر از شما می‌داند، تا آنان را به تدریج به سوی تحول درونی و توبه بکشد.

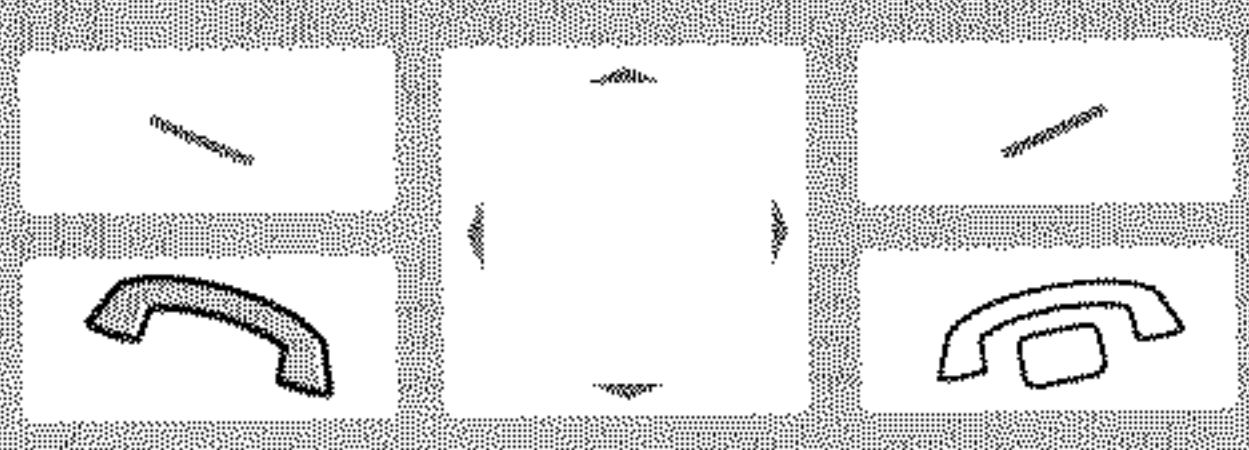
اینها با ناراحتی و شرمندگی پیش پدر آمدند. پدر در اینجا زمینه را مساعد می‌بیند، چون کمی متحول گشته‌اند و از کارهایشان پشیمان شده‌اند. می‌گوید: بروید و از رحمت خدا مأیوس نباشید.

یعقوب علیه السلام وقتی به حضورش می‌رسند، می‌گوید «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً»<sup>۳</sup> شما توطئه کردید. آنجا هم یوسف علیه السلام پشت قافله شان صدا می‌زند: «أَيُّهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ»<sup>۴</sup> ای قافله شما دزدید. این سیر برنامه می‌خواهد درون انسانها را عوض کند تا متحول شوند و چرخش پیدا کنند تا بتوانند نتیجه بگیرند. این زمین تا رو به خورشید نکند، از خورشید نوری دریافت نخواهد کرد. خورشید در مقام خود است. این زمین است که باید بچرخد و تا بچرخد از او نوری نمی‌گیرد. یوسف علیه السلام هم می‌خواهد اینها را بچرخاند، تا شب تاریک از خداوند و توجه به نفسانیت و طبیعت را به یک روز روشن دگرگون کند. چرخش بدهد تا نوری در دل اینها بتابد. از این جهت می‌خواهد دل اینها را بسوزاند و دگرگونشان کند. حالا دیگر اینها خیلی آماده شده‌اند. روز اول غرور خاصی داشتند امروز چقدر پخته شده‌اند، باحالت خاصی می‌گویندای عزیز، ما و خانواده مان گرفتاریم و کالای اندکی آورده ایم، پیمان ما را کامل کن و به ما صدقه بده. جمله سوزناک «تَصَدَّقْ عَلَيْنَا»<sup>۵</sup> نشانه

حالت تنبه و دگرگونی آنهاست اینها به صدقه محتاجند. اینها عزیز بودند ثروت و مکنّت داشتند حالا در حضور جمعی تقاضای صدقه می‌کنند. حالا دیگر خطر این است که اینجا ما یوس بشوند از این جهت گوید: «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ» آیا یادتان می‌آید با یوسف و برادرش چه کردید، آن موقعی که جاهل بودید؟ جاهل در اینجا به معنای بی‌سواد نیست بلکه به معنای مغرور است، گفتند: آیا تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم. بعد پشیمان می‌شوند و درخواست استغفار می‌کنند. برادران یوسف چهل سال طول کشیده که متحول شوند و حالت غرورشان به حالت تضرع برگشت. نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام تا کنون بیش از ۱۴۰۰ سال طول کشید و ما هنوز نمی‌دانیم در کدام مرحله‌اش قرار داریم؟

عمری است که اشک‌هایم  
را در کوزه حسرت  
انباشته‌ام و انتظار  
جمعه‌ای را می‌کشم که  
جویبار ظهورت از کوهسار  
غیبت سرازیر شود، تا  
کوزه حسرت را به آب  
انداخته و تن را در آن زلال  
ظهور بشویم.

خداوند نعمت یوسف علیه‌السلام را از  
برادران یوسف علیهم‌السلام گرفت، چون  
اعراض کردند. بازگشت این نعمت  
به آنها امکان نداشت، الا اینکه  
خودشان متحول بشوند «ذَلِكَ بِأَنَّ  
اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى  
قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».<sup>۷</sup>  
بنابراین نگهداری نعمت و هم  
بازگشت نعمت، شرط اساسی آن  
متحول شدن است.



و اما وجه الانتفاع بي في غيبتى فكالاتفعا بالشمس اذا غيبتها  
 عن الابصار السحابُ». الغيبة . طوسی . صفحه ۲۹۲  
 «بهره بردن از من در زمان غیبتم همانند بهره بردن از خورشید است  
 هنگامی که از دیده‌ها در پشت ابرها مخفی شود.

آسمان ابري است دل ما  
 ابري تر با غم دوري دلدار  
 چه بايد بکنيم

- ۱ . سوره يوسف، آیه ۹
- ۲ . سوره يوسف، آیه ۹۰
- ۳ . سوره يوسف، آیه ۱۸
- ۴ . سوره يوسف، آیه ۷۰
- ۵ . سوره يوسف، آیه ۸۸
- ۶ . سوره يوسف، آیه ۸۹
- ۷ . سوره انفال، آیه ۵۳

## خورشید پشت ابر

استفاده و بهره مندی از امام غایب در عصر غیبت، موضوعی است که شاید فهم آن برای عده ای سخت باشد، اما با مراجعه به فرمایش خود امام زمان علیه السلام و تمثیلی که در این موضوع فرموده اند، می توان آن را در قالبی مناسب و ساده متوجه شد.

امام زمان علیه السلام: استفاده و بهره بردن از وجود من در زمان غیبت، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نموده باشند.

از این روایت نورانی و زیبای می توان نکات زیر را دریافت کرد:

**الف:** خورشید مایه حیات زمین و زمینیان است و بدون وجود او از آدمیان گرفته تا دیگر موجودات نمی توانند به زندگی خود ادامه دهند خورشید را چه بینی و چه در پس ابرها باشد و او را بینی، باز خورشید است، حضور دارد و نورافشانی می کند و پرتوش همه موجودات را بهره مند می کند

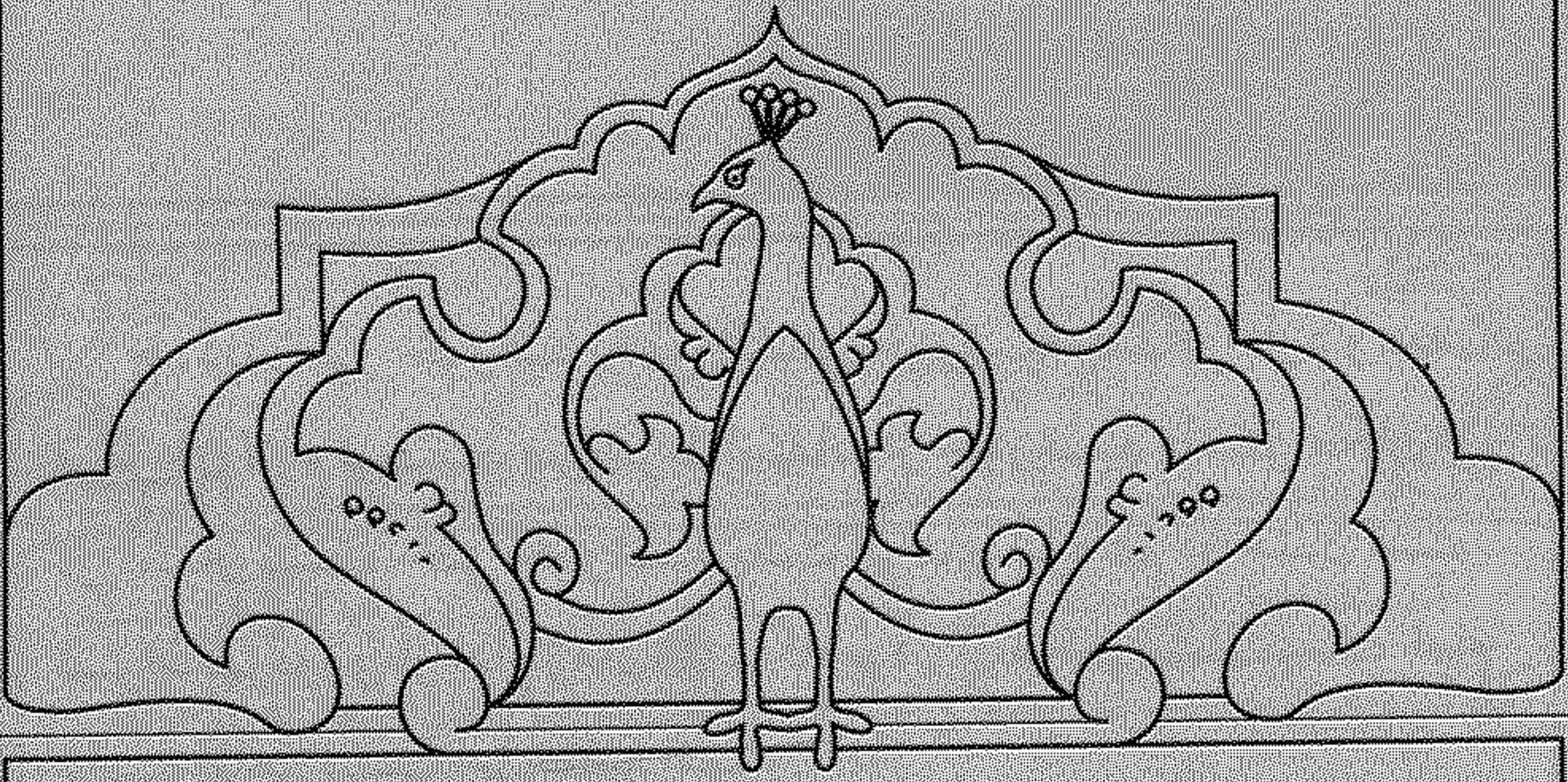
امام زمان علیه السلام نعمتی است که پروردگار مهربان به آفریدگانش عطا نمود. او را محور خلقت و باعث بقاء موجودات قرار داد چه ظاهر باشد و چه غایب، حضور دارد، امام است و راه بلد.

**ب:** در روز ابری گرچه خورشید پشت ابر است اما در آسمان حضور دارد و مشغول تابندگی است. بسیار نابخردانه است اگر کسی در روز ابری وجود خورشید را منکر شود. امام زمان علیه السلام نوری است درخشنده که آیینه دل های بی زنگار، گرمای وجودش را در همه ابعاد زندگی بازتاب می کند.

ج: دیدن نور خورشید به نورافشانی خورشید بستگی دارد و دیدن قرص آن لازم نیست. پس شرط استفاده از خورشید دانستن مکان آن در آسمان نیست. حتی خورشید پشت ابرهای تیره هم درخشان است. شرط بهره‌وری از امام زمان علیه السلام، آگاه بودن از مکان ایشان نیست. امام غایب، ظاهر نیست اما حاضر است.

د: ابرهایی که خورشید را می‌پوشانند گاهی به نسیمی ملایم و گاهی به وزیدنی سخت به کناری می‌روند و خورشید را از پس ابرها، از روزنه‌هایی تنگ و باریک نمایان می‌کنند.

امام زمان علیه السلام در عصر نهانی، گاهگاهی جلوه‌ای نموده و از نیکبختان خوش اقبال دل می‌برد.



السَّلَامُ عَلَى رَسِيعِ الْأُنَامِ، وَتَضَرُّعُ الْأَيَّامِ

دُرُودُ بَرِيهِارِ مَرْدَمِ وَخَرْمِي زَمَانِ



## شعر

تا به کی در پرده مانی ماه من! روشنگری کن  
تا کنی هر دلبری را عاشق خود، دلبری کن  
جلوه کن! زهره را چون ذره محو خویش گردان  
رخ نما و مشتری را بر رخ خود مشتری کن  
موج بحر کفر، پهلو می زند بر ساحل دین  
نوح شو، توفان بیا کن! فلک دین را لنگری کن  
تا نداده حق پرستی جای خود بر بت پرستی  
بت شکن شو چون خلیل و دفع خوی آزی کن  
تا به کی از گوهر دین! از صدف بیرون نیایی؟  
ناخدا شو! کشتی دین خدا را رهبری کن  
ای همه جانها به لب از هجر رویت چهره بگشا!  
وی همه آثار هستی از تو مشق، مصدری کن



شاید آن روز که سهراب نوشت: تا شقایق هست زندگی  
باید کرد،

خبری از دل پر درد گل یاس نداشت  
باید این طور نوشت: چه شقایق باشد، چه گل پیچک  
و یاس، جای یک گل خالیست، تا نیاید مهدی، زندگی  
دشوار است....

عصر یک جمعه دلگیر  
دلم گفت بگویم بنویسم  
که چرا عشق به انسان نرسیدست  
چرا آب به گلدان نرسیدست  
و هنوزم که هنوز است غم عشق به پایان نرسیدست  
بگو حافظ دل خسته ز شیراز بیاید بنویسد  
که هنوزم که هنوز است  
چرا یوسف گم گشته به کنعان نرسیدست  
و چرا کلبهٔ احزان به گلستان نرسیدست  
عصر این جمعهٔ دلگیر  
وجود تو کنار هر بی دل آشفته شود هست، کجایی گل  
نرگس؟

# تمشیلات و تشبیہات در نام کتب مہدویت

۱. عصارہ خلقت: آیت اللہ جوادی آملی
۲. سیمای آفتاب: حبیب اللہ طاہری
۳. روزگار رہایی: کامل سلیمان، ترجمہ علی اکبر مہدی پور
۴. آخرین امید: داود الہامی
۵. طاووس بہشتیان: آرمان گل محمدی
۶. پیدای پنہان: پورسید آقایی
۷. خورشید مغرب: محمد رضا حکیمی
۸. انیس دلہا: دکتر نادر فضلی
۹. رہایی بخش: مسعود شریعت پناہی
۱۰. آفتاب در غربت: دکتر سید محمد بنی ہاشمی
۱۱. پادشہ خوبان: سید عباس موسوی مطلق
۱۲. سپیدہ امید: سید حسن اسحاقی
۱۳. منتظر تا صبح فردا: فاطمہ صالح مدرسہ ای
۱۴. پیشوای آسمانی: علامہ سید محمد حسین شہرستانی
۱۵. جان جانان: عبدالرحیم موگھی
۱۶. رخسار آفتاب: سید مجتبیٰ خیوری
۱۷. ستارہ درخشان: حاج سید محمد میرشاہ ولد
۱۸. بہار دلہا: عنایت مہدوی
۱۹. سوار سزبوش آرزوہا: مترجم: حسن سیدی
۲۰. خورشید غائب: رضا اسنادی
۲۱. خورشید منتظران: آرمان گل محمدی
۲۲. سوزش منتظران: محمد حسن یوسفی
۲۳. میر مہر: سید مسعود پورسید آقایی

## «سوالات غایب همیشه حاضر»

الف: نقش امام در جامعه همانند نقش ها ... در بدن است.  
۱. قلب                      ۲. پا                      ۳. دست

ب: نقش یاران فداکار برای ظهور امام زمان علیه السلام همانند نقش ..... برای هواپیما می باشد.  
۱. موتور                      ۲. فرودگاه                      ۳. بنزین

ج: ظلم و جفای مسلمانان به اهل بیت علیهم السلام و امام عصر علیه السلام به ظلم ... تشبیه شده است.

۱. برادران یوسف به یوسف علیه السلام  
۲. یاران موسی به موسی علیه السلام  
۳. پسر نوح به نوح علیه السلام

د: انقلاب اسلامی ایران ..... ظهور است.

۱. طلوع                      ۲. غروب                      ۳. فجر

ه: افضل اعمال ... است.

۱. انتظار فرج                      ۲. دعای ندبه                      ۳. دعای آل یاسین

و: شرط ایجاد حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام ... است.

۱. زیاد شدن ظلم                      ۲. جوشش و انتفاضه                      ۳. بحران اقتصادی

ز: بیداری و حرکت قبل از ظهور به بیداری پیش از ... تشبیه شده است.

۱. شب                      ۲. ظهر                      ۳. آفتاب

ح: امام خمینی (ره) مانند ... است در شب غیبت.

۱. ماه                      ۲. ستاره                      ۳. شهاب

ط: امام زمان علیه السلام در زمان غیبت همانند... است.

۱. ماه شب چهارده      ۲. خورشید پشت ابر      ۳. باد بهاری

ی: تغییر نکردن موی مژه و خواب چند ساله اصحاب کهف نشانه کدام یک از موارد زیر است؟

۱. طول عمر امام مهدی علیه السلام  
۲. یاری امام مهدی علیه السلام توسط اصحاب کهف  
۳. غذا نخوردن امام مهدی علیه السلام

ک: اگر کسی دوست دارد راه خدا را برود امام زمان علیه السلام..... هدایت اوست.

۱. پرچم      ۲. تابلو      ۳. هردو

ل: امام مهدی علیه السلام در قضاوت و داوری همانند کدام پیامبر است؟

۱. ابراهیم علیه السلام      ۲. ادریس علیه السلام      ۳. داود علیه السلام

م: امام مهدی علیه السلام در طول عمر، شبیه کدام پیامبر است؟

۱. موسی علیه السلام      ۲. نوح علیه السلام      ۳. زکریا علیه السلام

ت: سخن گفتن امام مهدی علیه السلام در گهواره و نوزادی، شبیه کدام پیامبر است؟

۱. عیسی علیه السلام      ۲. اسماعیل علیه السلام      ۳. خضر علیه السلام

## منابع کتاب: «غایت همیشه حاضر»

- تمثیلات و تشبیهات / آیت الله حائری شیرازی  
تمثیلات و تشبیهات / شهید مرتضی مطهری  
تمثیلات / محسن قرائتی  
مثل ها و پندها / آیت الله حائری شیرازی  
باران حکمت / محمدرضا رنجبر  
حکایت خورشید / صمصام شریعت  
سلوک باران / محمدرضا رنجبر  
فصلنامه تخصصی انتظار  
مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری  
مجله امان  
مقالات استاد نقویان  
پیامک های مهدوی / امیر محسن عرفان  
مکیال المکارم